

فصل دوم :

موسیقی ایرانی

الف : موسیقی با ادوات موسیقی (حداقل)

موسیقی ایرانی در دو مقوله بررسی می‌گردد. موسیقی‌های کم‌ساز، موسیقی‌های پرساز (موسیقی‌هایی که با حداکثر/حداقل وسیله نواخته می‌شود).

الف- نواهاییکه با کمترین سازهای موسیقی نواخته می‌شود که شامل چند بخش می‌باشد:

- نوارهای مذهبی (گاسپل خوانی)

در ایران مانند سایر نواحی جهان، دارای نواهای مذهبی می‌باشد که شامل قرائت قرآن، مداحی، تواشیح، اذان، دعا خوانی، روضه‌خوانی، دسته‌های سینه زنی، زیارت خوانی چاوش می‌باشد که با قرائت و صدای خوش خوانده می‌شود و با کمترین وسیله موسیقی از قبیل درام، سنج گاهی دهل، نی همراه است و یا اصلاً از ساز استفاده نمی‌شود. این نواها که با عناوین قرائت، سرود، مرثیه، بحر طویل، ... همراه است اما دارای سبک‌های متعدد و پیچیده می‌باشد و در میان ملل تم‌های مختلف و رعایت اصول (تنوین، اخفاء، ترتیل، ادغام، حروف اعلا، ...) خوانده می‌شود.

- قرآن مجید

خواندن قرآن کریم و یا مجید نیز دارای سبک‌های مختلف حجازی، مصری، ایرانی، جنوب شرقی آسیا و سایر کشورهای اسلامی می‌باشد که در مهمترین سبک‌های مصری آن سبک عبدالباسط (عبدالباسط محمد عبدالصمد)، قمشاوی، سبک ایرانی پرهیزکار، شهادت محمد انور، محمد شہات، محمد علی النبء، طه الفشنی، محمد خالد الحسینی، شیخ ابراهیم الشعشاعی، محمد جابری، المنشاوی، نوئینا، میتوالی، التاویل، الهنداوی، در افغانستان (سلیم، صداقت علی، کبیر حیدری) در هند (محمد یوسف، محمد ادیر، نواب احمد، زیریا بداعت) در بنگلادش (حبیب بلالی، کمال‌الدین) در اندونزی (نصرا... جمال‌الدین، الجفیری) ایران (منصوری، پویا، شاکرنژاد) مالزی (رحمان احمد، رضا هیلان، حصیم، سامان، یونس) مراکش (عمر الفضابری) برمه (شیخ محمد ایوب) پاکستان (محمد فاروق، علی نعیم، عبدالمجید نور، قاسمی، الیاس، امین، نعمانی) عربستان سعودی (شیخ القاسم، ش توبینی، ش باصر، ش الحود حدیقی، ش البودیر، ش علی جابر، سعد الحدیفی، ش الشوریم) انگلستان (القاضی، محمد لونات) آمریکا (تائب، امین امریکی، ٹائم، یوسف ادقوچی) هلند (شیخ محمد چیستی، مصطفی آتیلا اکومیرا) ترکیه (رمزی ار، اسماعیل بیصار) تونس (مضطر) آفریقای جنوبی (سادین، لوندت، موسی، محمد فیلاندر، حسین دلوی) سومالی (احمد عباس، سعد عبدا...محمد حسن، عبدالرشید صوفی) کویت (الافازی) چین (محمد ماژیان) سنگاپور (صدیقی) ازبک (یوسف محمد) مالزی (حسین ی)

قرائت قرآن باید با تمرکز و آرامش، رعایت ترتیل و آشکار و واضح خوانی، ادغام حروف شخص، اخفاء در حروف مشخص، رعایت تنوین، تشدید، حروف اعلا، رعایت حروف حلقی (ح و ع) و دستورات لازم برای

اظهار کلمات ظ و ط و ص و ذ خوانده شود و در سوره‌هاییکه آیات سجده دارند (مسئله سجده و آمادگی برای آن) مدنظر قرارگیرد. و همچنین حروفی که دارای مد هستند (سه حرفی‌ها) و یا نیستند رعایت گردد ک(کاف)، ع(عین)، ص(صاد)... حروف نوک زبانی (ث، ذ،...))

- تواسیح قرآنی

این مراسم با تعدادی از گروه کر اجراء می‌شود که به توشیح قرآن و حمد پیامبر اسلام (صلی) و ائمه (ع) و مقدسات دینی پرداخته می‌شود و دارای سبک‌های مختلف است که گروه تواسیح آنرا اجرا می‌کند، تواسیح لبنانی از اهمیت برخوردار است. تواسیح در اعیاد و مراسم مختلف مانند عید غدیر خم، عید فطر، بعثت، تولد ائمه (ع) با گروه یونیفورم پوش اجراء می‌شود و در آن کمتر از سازهای موسیقی استفاده می‌شود.

- مداحی

مداحی عبارتست از بزرگداشت، شرح حال و حمد، نقل مناقب ائمه بوده و توسط مداحان در مراسم دهه اول محرم، شبهای قدر، مراسم بزرگداشت افراد در مجالس ترحیم، اعیاد، روزهای تولد ائمه (ع) اجراء می‌شود.

سبک‌های معروف ایران سبک شمشیری، مرشد، موسوی، برادران طاهری، کریمی، ذاکر، هلالی، محمد کوبتی، میرداماد، سعید حداد، حاج منصور عرضی، خانم نباتی

- سینه زنی

مداحی در دسته‌های سینه‌زنی با سازهای موسیقی (با سازهای ضربی، بادی) از قبیل سنج، جاز، فلوت و یا نی همراه است و بصورت مارچ نظامی در خیابانها، تکایا (در ایام محرم) و حسینیه‌های ثابت، اجراء می‌شود و افراد گروه به زنجیر زنی و سینه‌زنی می‌پردازند که سبک‌های سه گانه (در یزد) ضرب کوتاه - سنگین، بطور عموم، سبک دورانی در جنوب ایران (خوزستان و بوشهر و هرمزگان) رواج دارد.

هندیها در این سبک از زنجیرهائی استفاده می‌کنند که دارای چند زنجیر متصل به دسته می‌باشد و در هر رده زنجیر یک سری تیغه‌های مقطع دارد که در سه ردیف درست شده است و با زدن این زنجیرها معمولاً پشت زنجیر زنان خونی می‌شود که چند ضرب بجای سه ضرب انجام می‌شود و با ساز ضربی و یا سنج انجام می‌شود و در این هنگام در پشت صحنه مداح نیز مداحی می‌کند و گروه کر زنجیر و یا سینه می‌زنند. (و البته ۵ و ۷)

در واقع موزیک نقش هماهنگ کننده را دارد. در این خصوص دسته بوشهری‌ها، دسته طیب و دسته اردبیلی‌ها با مداحان (پسران) موذن زاده اردبیلی مشهور می‌باشند.

این دسته‌ها گاهی در مواقع مختلف ۲ ماه صفر و محرم در مشهد مقدس و یا قم و یا حرم شاه‌چراغ شیراز و در مواقع دیگر در مراسم قالی شوران مشهد اردهال، با چوب‌های قالی شوئی انجام می‌شود و دسته ورامینی‌ها نیز در امامزاده جعفر در پیشوا مراسم معروفی دارند.

- دعا و زیارت خوانی

دعا مربوط می‌شود به خواست‌های بشر از خداوند که درخواست می‌کنند رزق و روزی آنها را زیاد کند، آنها را عاقبت به خیر کند که با صدای موسیقی خوانده می‌شود و از ساز در آنها استفاده نمی‌شود بعضی دعاها برای نزدیکی به خداوند است. دعای جوشن کبیر و صغیر، صحیفه سجادیه و دعای ابوحزمه ثمالی، دعای مجیر، عهد... که همگی با صدای دعا خوانی انجام می‌شود و معمولاً دعا خوانهای سر نماز و این گونه دعاها دارای صدای خوش می‌باشند.

- زیارت خوانی

زیارت جامع کبیر، زیارت وارث، زیارت ائمه اطهار از زیارات مهم است زیارات در فصل‌های سال برای مصائب ائمه و در مناقب آنان و ارتباط ائمه و ریشه‌های ادیان و پیامبران بوده و مثلاً در زیارت وارث از تمام انبیاء از آدم تا خاتم (حضرت محمد(ص)) یاد می‌شود.

- چاوش

چاوش مربوط می‌شود به بدرقه راه مسافران عتبات عالیات و حج و در میانه صحبت‌های دو عالم که در مراسم ختم و روضه‌خوانی ائمه انجام می‌شود و مردانی با آوازهای سنگین و خواندن کلمات و درخواست صلوات از مردم، یک زائر را بدرقه و یا فاصله دو روضه خوانی را مرتبط می‌کنند.

- صوفی خوانی

دراویش ایران بخصوص کردستان با گفتن انواع ذکر به تمرکز ذهن می‌پردازند و عبادت می‌کنند صوفیان قادری کردستان در هنگام تمرکز، به دور چرخ می‌چرخند و با خم شدن و قیام و قعود به *MEDITATION* می‌پردازند و کارهای عجیب و غریب می‌نمایند دراویش صفی علیشاهی، گون‌آبادی، لطف الهی، قادری‌ها، نقش‌بندی‌ها، بابی‌ها، نوربخشی‌ها...

در نوع خود دارای ذکر مخصوص می‌باشند اما کمتر از ساز موسیقی بطور مستقیم استفاده می‌شود.

- قوالی

قوالی از انواع خواندنی‌هایی است که در زبان اردو، در ایران، پشتو، سیندائی، پنجابی، هندی، بنگالی است که یکی از سبک‌های صوفیگری می‌باشد و جزء موسیقی اصلی ایرانی و پاکستانی، پنجابی، بنگلادش، کشمیر می‌باشد که به ۷۰۰ سال عقب‌تر برمی‌گردد و انواع بابوقوالی (بنگالی) می‌باشد و شامل حمد، نعت، مناقب، برشیه، غزل، مناجات می‌باشد.

قوال‌های معروف عبارتند از عزیزیان، بدرعلی خان، فتاح علی خان، مبارک علی خان، مشی رضی‌الدین، برادران صابر، و امروزی‌ها عبارتند از فیض علی فیض، فریدار، رضوان معظم رضوان، وحید چیستی می‌باشد. این نوع قوالی‌ها در بالی وود هند و لالی وود هند از فیلم‌ها و آوازهایی در این مورد می‌توان از قوالی محمد رفیع مثال زد و رحمان، شانکار احسان، کاج را، جهاد اکبر، دهلی از دیگر قوالی‌های هند هستند.

- اساطیری خوانی (حماسی/جنگی، شاهنامه‌خوانی، نقالی قهوه‌خانه‌ای، حاج‌فیروز)

رجز خوانی، قوالی، نقالی قهوه‌خوانی پرده‌ای، شاهنامه‌خوانی، حاج فیروز خوانی مربوط می‌شود به آداب و سنن جنگی و رزمی وسائل حماسه‌ای کشور که در این میان نقالی و قوالی قهوه‌خانه‌ای جنبه‌های دینی (مربوط به عاشورا و یا ولایت) دارد که در بعضی از موارد از سازهای موسیقی استفاده می‌شود.

II - اساطیری خوانی رجز خوانی

در جریان جنگهای اسلام بین دو جنگجو در جنگهای انفرادی، رجز خوانی می‌شد و هر جنگجو با تشریح پدران و اقوام و قبیل و قوم خود در طرف مقابل را محکوم به شکست می‌دانست و طرف مقابل نیز چنین می‌کرد. رجز خوانی در عاشورا در مورد حضرت علی اکبر (ع) مشهور است در جنگهای رستم و اسفندیار و اساطیری ایران همگی رجز خوانی می‌کردند در این مورد در زمان قدیم در شهر تهران نیز اصطلاح رجز خوانی رواج داشت اما امروزه منسوخ شده است.

- شاهنامه خوانی

شاهنامه خوانی در قبایل و عشایر ایرانی مانند بختیاری‌ها و قشقایی‌ها رواج دارد که بصورت دستجمعی می‌خوانند و از سازهای موسیقی نیز استفاده می‌کنند ایلات در هنگام کوچ و هنگام چوپانی از اشعار شاهنامه استفاده می‌کنند و می‌خوانند و نی و دهل و فلوت می‌زنند و یا حتی کمانچه می‌نوازند و نوعی زنگوله به استرها، گاو، بزها، شترها می‌بندند و آنها که ساکن هستند در نواحی استادیوم وار جمع شده و اشعار شاهنامه را تبدیل به آوازهای فولکلوریک می‌نمایند.

شاهنامه‌خوانی در ایلات یک فرهنگ است و ریشه عمیقی به‌مراه سازهای ساده از هر قبیل (زهی، ضربی، بادی) دارد.

- نوروزی خانی (حاج فیروز)

از سازهایی که در این خوانش بکار می‌رود شیپور، فلوت، نی، عربانه می‌باشد که هنگام گشت در کوچه باغها و خیابانهای شهر و روستا، در دوران چهارشنبه سوری و مراسم قاشق‌زنی توسط حاج فیروز خوانده می‌شود. (حاج فیروز من - سالی یک روز من)

III - مراسم خوانی :

شامل (موسیقی‌های مراسم / رقص جشن‌های چای، برنج، ورزشی، گمبارزدشتیان، بنائی خوانی، مراسم قالی اردهال)

در ایران در مراسم مختلف آواز و موسیقی خوانده می‌شود.

مراسم عروسی با ساز و دهل و عربانه، و مراسم دیگر مانند جشن چای لاهیجان، جشن برداشت گمبار زرتشتیان هنگام انبار کردن گندم (گمبار) و بناها در هنگام تولید ساختمان، مراسم ملی مذهبی قالی شوئی کاشان، از مراسمی است که با موسیقی با ادوات مختلف موسیقی در ایران جریان دارد. بختیاری‌ها و گیلانی‌ها ده‌ها مدل لباس (بخصوص لباسهای زنانه) و با شور و هیجان زیاد بخصوص با دهل و فلوت و نی و کمانچه و ساز دهل و سنج انجام می‌شود. در کوهستانها چوپانها بانی آواز فولکور می‌خوانند. در گلستان ترکمن‌ها رقص معروف خود را دارند که بصورت مدور می‌چرخند و با موسیقی هماهنگ کننده آواز مخصوص را می‌خوانند، نوعی چهچهه در میان کرنبشه‌های نواحی قوچان (با کشتی چرخدار) زده و خوانده می‌شود که دارای ریتم یکسان و طولانی است، رقص‌های لرستانی‌ها و ترانه‌های جنگی (دایه دایه وقت جنگه، قطار بالای سرم پر از فشنگه) به‌مراه رقص‌های دو پا و سه پا از درون قلب و عشق به وطن خوانده می‌شود. آوازهای مربوط به بیستون و شیرین و فرهاد به‌مراه سازهای ایرانی در کرمانشاه (به ضرب تیشه، عقده خالی شده، شیرین جان، شیرینم کردی..) رقص‌های کردی به سبک خود خوانده می‌شود. در این خصوص موسیقی‌دانانی ماننده سیما بینا، گلوریا روحانی، پری زنگنه، محمد موسوی، فرج و محسن علی پور، ایرج رحمانپور معروفند.

شاید دهها مدل لباس چند لایه، طرحهای مختلف، گلهای درشت (در آذربایجان) و ریز تر در گیلان و مازندران در این مراسم به نمایش گذاشته می‌شود.

در نواحی نوار شمالی و نواحی میانی و جنوبی کشور (رقص و آوازهای بندری) با رقص‌های جنان، شرقی، سعودیات، دقنی، رقص‌های محلی دختران با ساز و نقاره ترکی، با انواع مدل‌های روح انگیز لباس‌های بانوان و نیز رقص لری گچساران و قاسم آبادی از موارد جشن‌ها و مراسم با سازهای معروف به خود دیدنی است که با آوای افسانه جهانگیری، محمد بهمن بیگی، ایلم آقانی، رقص‌های چوب بازی بویر احمدی‌ها، رقص چووکی سیستانی‌ها، رقص‌های محسنی، یاسوجی، نورآبادی، تنگسری، گرمسیری دشتستانی، مراسم خرما یزان برازجان، رقص‌ها و مراسم جشن‌های سده، چهارشنبه سوری، چک چک (حج زرتشتیان) در مرکز ایران (اطراف یزد) مراسم آتش مقدس در نزد زرتشتیان و آتش بازی چهارشنبه سوری به‌مراه قاشق زنی (بعنوان ساز موسیقی) از انواع دیگر می‌باشند.

در جشن‌های هنر شیراز در آرامگاه سعدی، حافظ و نیز در تخت جمشید جشن هنر برگزار می‌شود که آوازه جهانگیر دارد که در آن از انواع رقص‌ها و آوازهای استان فارس و استانهای هم جوار و سایر استفاده می‌شود همانند مراسم سنج و دمام آبادانی‌ها، رقص‌های دو دختر، رقص می‌گیلان، در تالش به‌مراه رقص قاسم آبادی‌ها (شالیکاری) با آوازهای شون همیشه بلور، دامن پرچین و آوای مسعودی (.. همیشه بهار گیلانه، بنفشه گل بیرون بمو، وقت بهاره ..) و الله تی تی و رقص‌های شالیزار، رقص لیلی سکس، رقص انار، و انار (انار، انار، بیا به بالینم)

رقص سوسکه‌ها، چاقوی فارسی، قطار و برگردی .. آشون چکه سما بیه، رقص هه پر کی کردی رقص‌های آذری با نوای حیدر بابای شهریار و رقص بانوان آذری و آوای جای خالی یه پسر بچه با نوای مصطفی

باریان، رقص ملی ارمنی با ریتم و لباسهای یونیفورم و کلاههای مخصوص و دامن‌های چین‌دار ارغوانی ..
رقص شمشیر مو و مانی، با تصنیف ساری گلین، رقص لزگی یا للی، ارمنی گرجی، رنگین کمان، رقص
شکم بهمراه موسیقی آرام خاچاطور بان و ویگن، اندی، سورن، شارل آز ناوور

IV- سایر

از دیگر اشکال موسیقی با کم آواهای مشقی، عرفانی موسیقی کم صدای زمزمه‌ای، بحرطویل،
نقاشی خوانی‌ها و نقالی‌ها و قوالی‌های قهوه خانه‌ای مذهبی و غیر مذهبی (اساطیر رستم و سهراب) کوچ
خانی (ایلیائی) و .. می‌باشد که معمولاً با کمترین سازها اجراء می‌شود.

موسیقی‌های پرساز

موسیقی‌های پرساز موسیقی‌هایی هستند که در آن نوع موزیک سازهای موسیقی نقش بیشتری را نسبت به
شعر، کر، مفاهیم دارد و اصول آن بر محور ریتم و نت و دستگاههای منظم سازهای موسیقی مانند برنامه
ارکستروار گله‌ها، موسیقی‌های سنتی و مردمی، مارش‌های نظامی، تعزیه خوانی و شبیه سازی (ها) مذهبی از روز
عاشورا و یا رستم و سهرابی ... می‌باشد.

ب: موسیقی ایرانی (با ادوات کامل)

I- دستگاههای موسیقی ایرانی

دستگاههای موسیقی ایران دستگاههای ماهور، شور، سه گاه و چهار گاه، همایون، نوا، دشتی و آوازهای ایرانی
ابوعطاء، بیات ترک و اصفهان، دشتستانی، افشاری

موسیقی ایرانی دارای گوشه‌ها، راه‌ها و ردیف‌های خود می‌باشد فارابی نام دستگاههای ایرانی را طرائق و یا
رواسین نامید. در زمان حمله اعراب و حمله مغول و کتاب سوزی‌های آن دوران، متون مربوط به موسیقی نیز
سوزانده شد چون هم به زبان پارسی نوشته شده بود و هم مربوط می‌شد به فعل حرام (موسیقی) و لذا بکلی
سوزانده شد و لذا اطلاعات و سیستم‌های مربوطه به حداقل رسید.

ممکن است یک راه در چند دستگاه عبور کند در عین مباحث دستگاههای خسروانی و مثلاً چونان عشاق در
راست پنج گاه سپاهان، و دشتی هست و یا خسروانی که در، در راست پنجگاه و ماهور در نوا، شور و نشابورک
نواخته می‌شود.

راه‌های منصوری، افشاری، دشتی بیات زند (ترک)، سپاهان را دستگاه بحساب می‌آورند و برخی آن را گوشه‌ای از
شور و همایون می‌دانند.

و لذا طبق روایات تجویدی، هدایت، معروفی و برکشلی معک، روایات ذیل قابل استخراج می‌باشد.

- سه‌گاه (۲۵ گوشه) /نغمه، آواز، درآمد، زنگوله، دو بیتی، دلگشا، مسیحی، نهاوند، ناقوس، تحت تاقدیس]

- چهارگاه (۲۵ گوشه) /پهلوی، دو بیتی، کرشمه، شهر آشوب، حاشیه و لزگی، منصوری، معربد]

- پنج‌گانه راست (۳۳ گوش) / راک عبدا... ماوراء النهر، خسروانی، لیلی و مجنون، نوروز عرب و عجم، راوندی عرب [
 - ماهور (۳۴ گوش) / دلکش، ابول، زنگوله، اصفهانک، سروش، آذری، صوفی نامه، حربی، ماوراء النهر [
 - همایون (۳۳ گوش) / مثنوی، شهر آشوب، بختیاری، شوشتری، دناسیری، بیات اصفهان، چهار مضراب [
 - نوا (۱۶ راه) / دشتستانی، بدر، وزیر، مثنوی، نی ریز، بوسلیک، چوپانی، مداین، نشابورک، گردانیه [
 - شور (۶۲ گوشه) / ابو عطا، صفا، دو بیته، چهار مضراب، افشار، چهار پاره، ختائی، کوچه باغی، نهیب، عراق، گرلی، دشتی، بیات کرد، بیدکانی، چوپانی، سرنج، شهناز، قره‌چه، رهاوی، بیات ترک، خسروانی، اوج، عقده‌گشا، غم‌انگیز، گبری، خرین، مخبر، شهناز، ملنازی، روح الارواح، دستان عرب، بسیجی و ... [
- و لذا موسیقی ایران دارای هفت دستگاه و پنج آواز است که چهار آواز متعلق به شور و یک آواز به دستگاه همایون مربوط است.

طبقه‌بندی دیگر موسیقی ایرانی بزعم سید نظام‌الدین دلفانی

طبقه‌بندی دستگاه‌ها

- دستگاه شور (۱۵ گوشه)
- آوازه‌ها: ابوعطا (۹)، بیات ترک (۱۲)، افشاری و دشتی (۹) .. گوشه
- دستگاه همایون (۱۲ گوشه)
- آواز: اصفهان (۱۱ گوشه)
- دستگاه سه‌گانه و چهارگانه ۱۰ گوشه
- ماهور : ۲۰ دستگاه
- ماهور راست پنجگانه ۱۴ گوشه
- ماهور نوا ۱۴ گوشه
- دستگاه شور با همایون کاملا متفاوت است و آواز اصفهان را در برمی‌گیرد.
- سه‌گانه و ۴ گانه شبیه یکدیگر بوده و با ماهور متفاوت است.
- ۵ گانه راست، قدیمی‌ترین دستگاه ایرانی است که مشابه ماهور است.
- آوازه‌ها قسمی از دستگاه‌ها می‌باشند.

آوازه‌ها :

- آواز ابوعطا مربوط به دستگاه شور (درجه ۲)
- " بیات ترک " " " (۳)
- " افشاری " " " (۴)
- " دشتی " " " (۵)
- " بیات اصفهان " " " (۴)

در دوران هخامنشی موسیقی‌ها در دادگاهها در امپراطوری هخامنشی اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته است که به زبان پهلوی بوده است و از کلمه خنیاگری استفاده می‌شده بار بد در دستگاه ساسانیان به جمع‌آوری موسیقی ایرانی پرداخت که در حمله اعراب به ایران از دست رفت. اولین موسیقی کنسرت مجلسی ایران بنام خسروانی معروف است.

هر یک فهرست بیش از دویست سری (ردیف بوده) و به ملودی‌های کوچکتر بنام گوشه تقسیم می‌شوند گوشه‌ها نیز به ۱۲ قسمت تقسیم می‌شوند و هر گوشه و دستگاه نام مخصوص به خود دارد.

یک نمایش مرسوم شامل پیش درآمد، مقدمه اولیه ((درآمد)) (مقدمه) ((تصنیف)) (آهنگ)، ((چهار مضراب)) (وزن دار) تعداد انتخابی ((گوشه)) (حرکات) بصورت مرسوم می‌توان آنها را تغییر داد یا حذف نمود.

در عهد صفویه نواختن گوشه‌های پیچیده ۱۰، ۱۴، ۱۶ ضرب حذف شد و امروزه در حالت ۷ و ۶ ضرب نواخته می‌شود.

در زمان قبل از اسلام ملودی‌ها از نغمه‌های کتاب مقدس اوستا مازدین، زمزمه و نواخته می‌شد. و موسیقی ابزار روحانی بوده است. وسایل موسیقی ایرانی دف، قیچک، قانون، عود چگوره، دودوک، زنا، قره‌نی، دون‌علی، تاس، چنگ، هزارتا، اکتار، دیوان، هزارتار، طبل، کوس، رنگ، زنگ، دوزله، کرنا، تمبیره مانی، رباب ف و ده‌ها ساز دیگر

دستگاه ماهور

دستگاه ماهور که دارای ۵۰ گوشه و ردیف‌های گوناگون می‌باشد و دارای حالت و ملودی روانی است که اغلب به صورت موسیقی شاد در مراسم مختلف نواخته می‌شود و در سه بخش بم، میانی و زیر اجراء می‌شود و مشتمل بر ماهور "دو" و "ر" می‌باشد.

ماهور "دو" ماهوری است که نت شاهد آن ۲ می‌باشد و در تار و سه تار با کوک (دو، سل، دو، دو) نواخته‌شده و همه پرده‌ها همنام نت‌ها می‌باشد (do, re, mi, fa, sol, la, si, do) و مانند گام مازور دو در موسیقی کلاسیک می‌باشد.

در ماهور "ر" برای ویالین و کمانچه معادل هور "ر" دارد که شاهد آن نت "ر" و نیز "دو" نیز "بمول" می‌شود و گوشه‌های اصلی و زیر مجموعه آن

- درآمد (نت شاهد آن نت اول گام است یعنی دو
- گوشه گشایش داد " دوم " " RE
- " شکسته " ۵ " " SOL
- " دلکش " ۵ " " SOL
- " عراق " ۸ " " DO
- " راک " ۲ یک اکتاو بالاتر از شاهد و لیست درآمد است
- " فیلی " ۵ بالاتر از درآمد یعنی SOL است و ایست آن می‌است

گوشه های ضربی :

۱- کرشمه ۲- مجلس افروز ۳- خسروانی ۴- چهار پاره ۵- زنگوله

نام گوشه‌ها و رنگ‌ها:

درآمد، کرشمه، آواز، مقدمه، داد، مجلس افروز، خسروانی، دلکش، خاوران، طرب‌انگیز، نشابورک، نصیرخوانی، چهارپاره، فیلی، مهور صفر، آذربایجانی، حصار ماهر، زیرافکن، نیریز، شکسته، عراق، نهیب، محیر، آشورآوند، اصفهانک، خزین، کرشمه، زنگوله، دارک (هندی آشمیر، ر عبدا...)، (کرشکه، سفیر، راک، رنگ (حربی، یک چوبه، شلخور) ساقی‌نامه، رنگ شهر آشوب)

دستگاه شور

دستگاه مادر موسیقی ایرانی است آوازهای شور هر یک دارای استقلال می‌باشند.

(ابوعطا، بیات ترک، افشاری، بیات کرد و دشتی) آواز بیات ترک در مشتقات دستگاه مهور به حساب می‌آید و در مکتب آواز اصفهان، آواز بیات ترک از مشتقات دستگاه مهور است و در مکتب تهران مایه بیات ترک جزء دستگاه شور است.

پایه‌های وابسته (آواز ابوعطا، دشتستانی، افشاری، بیات ترک، بیات کرد)

گام شور (۳ ربع پرده، سه ربع پرده، پرده، پرده، نیم پرده، پرده، پرده)

اما بعضی نت‌ها دستگاه کوک تغییر دارد مثلاً پرده‌بندی در شول مل

(SOL, LA, کرن , SI , پهلول , DO , RE , ME , بمل , F, A, SOL)

از می کرن و کرن هم استفاده می‌شود.

گوشه‌ها / درآمد اول، دوم سوم (کرشمه)، چهار (اهاب)، پنج (اوج) ۶ (ملانازی) نغمه ۱ و ۲ رهاوی، زیر کش سبک، ملانازی، سلمک، گلریز، مجلس افروز، غزال، صفا، بزرگ، کوچک، دو بیته‌خارا، فرود، خزین پائین دسته، رهاب، چهارگوشه، نشیب و فراز، مقدمه گرلیلی، رضوی، خرن، فرود، شهناز، فرجه، عاشق کش، رنگ اصول، گرلیلی، رنگ شهر آشوب]

(از ۱ تا ۳۴)

سازهای مربوط به مناطق و نواحی مختلف کشور

سازهای زهی	کمانی	غژک، کمانچه، ربات
	زخمه ای	بربط، چنگ، دو تار، قانون، رباب، سلانه، ساز، سه تار، تنبور، تار، عود، شورانگیز، تال
	زهی کوبه ای	سنتور
سازهای بادی	باز	درای، سورنا، کرنا، شهنای، نرمه تایی، دوزله ف نی انبان
	مجرائی	هفت بند، نی، شیپور
سازهای کوبه ای	ضربی	دف، دهل، دایره زنگی، نقاره، تنبک، کوس، سنج، دمام

نویسنده : حسین زارع شحنه

با تشکر از سرکار خانم مریم مرحمتی

سازهای ایرانی

	نوع ساز			سازها
	بادی	زهی	ضربی	
نی و نی انبان یکی از اصلی ترین سازهای موسیقی بوشهری می باشد و از چوب نی ساخته شده است طول ۷۰-۳۰ سانتیمتر	*			نی
داریه و یا دایره شکل بوده و چنبر آن از روی و برنج ساخته می شود و از پوست آهو ساخته می شود			*	دف
تار وابسته به قوم لوط (لوت) است از چوب شاتوت، پوست، دسته انگشتی با پیک کوچک برنجی دارای ۲۸-۲۶ فرت قابل تنظیم است.		*		تار
مانند ۲ تار، چنگور، در ایران آسیا و خاور میانه رواج داشته و با ناخن یا زخمه می زنند و دارای کاسه و دسته است و در انتها پنجه قرار دارد و ابن سینا، فارابی، صبا آنرا می نواختند و سیم سوم تار توسط درویشی بنام مشتاق علیشاه به آن افزوده است و عرفا به آن اوتار می گویند.		*		سه تار
بشکل و یالن با کاسه کوچکتر با چوب شاتوت، بلوط، گردو ساخته می شود و دارای کمانچه جهت نوازش است و دارای ۵-۴ سیم (تار) می باشد.		*		دو تار
		*		کمانچه
		*		قیچک
<i>CANON, KANUN</i> در مصر <i>SANTIR</i> ، پساتیوم، سازی سه گوش بیرون ساعد، با ۷۲ وتر		*		قانون
ساز تکنوازی، پوستی، داریوکا(عربی)، زیر بغلی (افغانستان) دمبک، تنبور (پهلوی)			*	تمبک
در نقش برجسته طاق بستان ملاحظه می شود، نزدیک به ساز هارپ یونانی، مشابه رود و مربوط به نکیسا، باربد و بربط و مانی می باشد.		*		چنگ
این ساز با کمانه زده می شود و در نواحی خراسان سابقه دارد.		*		رباب

سازها	نوع سازها		
	ضربی	زهی	بادی
سنتور		*	
بربط		*	
عود		*	
داریه	*		
ضرب	*		
چنگوره	*		
تمبره	*		
سرنا	*		
دودوک بالابان	*		
نی انبان			
قره نی	*		
دون علی	*		
دوزله (جفته)	*		
سازها	نوع سازها		
	ضربی	زهی	بادی
دوהל	*		

دمام	*		ساز مناطق جنوبی کشور و وارداتی از افریقا می‌باشد (شهر دمام) بندری در عربستان سعودی می‌باشد و شاید با ساز مربوط باشد در بوشهر و آبادان رواج دارد و دو دستی نواخته می‌شود.
تاس			
نقاره	*		خدام امام رضا (ع) در بالای سر در ورودی صحن حرم آنرا می‌نوازند که طول آن یک متر و .. می‌باشد.
زنگ	*		
طبل	*		ساز کوبه‌ای دو پهنا، استوانه شکل ساخته شده از پوست آهوست که کاربرد جهانی دارد و اصلیت ایرانی دارد.
کوس	*		
کرنا	*		دراز نای در نواحی دزفول و مشهد، بختیاری در فرهنگ بوغ و کرنا، با ۶-۷ سوراخ و لوله‌های تا ۳ متر
دیوان	*		دیوان یا غلاما، سازکردی، ترکی دارای ۷ سیم، ۳ ردیف، ۲۳ پرده از جنس توت سیاه، گردو، گلایی است.

طبقه بندی	سازهای زهی: آرشه‌ای (کمانچه، قیچک)
سازهای سنتی	" بادی: (نی، سرنا، کرنا، دوزله، نی‌انبان، بالابان)
در ایران	" ضربی: (تمبک، تمبک زورخانه‌ای، دهل، دایره، نقاره، گورگر)
	" مضرابی: زهی، کوبه‌ای (سنتور)
	" مضرابی: زهی/زخمه‌ای (تار، سه‌تار، دوتار، تنبور، عود، قانون، رباب)

تقسیم‌بندی سازهای بادی به دو رده تقسیم می‌شود (چوبی، برنجی) که خود زیر مجموعه دارد.

سازهای بادی چوبی

- بی‌زبانه (نی، بالابان) که هوا بسیار ساده وارد و خارج می‌شود.
- یک زبانه (دوزله) که هوا در ورود به زبانه برخورد نموده (قمنیش)
- دو زبانه (سرنا)

رده برنجی (کرمیل): به جای سوراخ دارای زبانه دهانی لنگی یا نجانی دارند و باد را از لبهای خود عبود می‌دهد و به لوله می‌فرستند.

نمونه مجموعه‌سازی یک کنسرت و مفاد ترکیبی آن

نا شکبیا

همایون شجریان

اردشیر کامکار

قطعات

تصنیف چه دانستم

ساز و آواز شور ناشکیبا

تصنیف می عشق

قطعه بی کلام هامون

آواز زهر شیرین

ساز و آواز دشتی داغ دوستی

تصنیف: پنهان چو دل

کمانچه، دف، دایره، طبل بزرگ: اردشیر کامکار

سنتور: اردوان کامکار

تنبک: کامبیز گنجه ای

کمانچه: سینا جهان آبادی

تار: رت پور ناظری، ارژنگ سیفی زاده

کمانچه و کمانچه آلتو (*ALTO*) شروین مهاجر، سهراب پور ناظری

عود: شهرام غلامی، سعید نایب محمدی، ارسلان کامکار

II – کنسرت گلها

در زمان تحول در رادیو و در زمانیکه از صفحه و نوار تجاری خبری نبود در رادیو ایران کنسرت گلها برگزار می شد که توسط اساتید بزرگ امروزی که در قید حیات هستند و یا فوت شده اند اجراء می شد و دارای افست و خیزهای بسیار، شامل تک نوازی، جمع نوازی، آواز چند خواننده، شعر خوانی های مختلف شعرای بزرگ در یک مجموعه نیم یا یک ساعت و کمتر و بیشتر اجرا می شد. در این مورد می توان به کنسرت مرضیه، بنان، تجویدی، شهناز، ملک خرم، تهرانی، پوران، پایور، شریف و دهها هنرمند، نوازنده، خواننده اجرا می شد با نام های فیروزه امیر نصر، آذر پژوهش، کسائی، معروفی، ورزنده، عبادی، خرم، محجوبی، افتتاح، وزیری و نیز الهه، ملوک، فرح، شهیدی، ذبیحی، قوامی، ایرج بی آواز، نوذر، مسعودی، شجریان، وفائی، پروین، پوران، حمیرا، مهستی، ستار، رفیعی، تاج اصفهان، بسطامی، عهدیه، گوگوش، ستار، مهرپویا، نازی افشار، اصلانی – در موارد مشابه

- گل های رنگارنگ
- گل های جاویدان
- " تازه
- برگ سبز
- یک شاخه گل
- گل های صحرائی
- گل های ماندگار

از مدیریت این برنامه می توان از داود پیرنیا، روح ... خالقی نام برد بعد از ۱۳۵۷ در دوران ۱۳۷۶-۱۳۸۴ فعال شد.

در این مورد کوشش هایی توسط مسعود نوین فرح بخش جهت جمع آوری گلها با دوستانش انجام شده است. بکمک برنامه گلها، ارزش ها و مفاهیم شعرای بزرگ ایران و همچنین هنر دست های طلائى موسیقی دانان ایرانی و حنجره های غم و شادی آفرین آنها تبیین و تصویر گردیده به نمونه های گلپا (اکبر)، مرضیه خوانساری، ایرانی، طاهر زاده، تجاری، برومند، هایده، دهلوی در این موارد سایت های مختلف موجود است.

III – گروه های موسیقی های مجلسی قدیم

گروه های موسیقی مجلسی قدیم که بصورت کنسرت به اجراء در می آید و طول کنسرت بیش از ۱۵-۱۰ دقیقه بود از یادگارهای دوران طلائى موسیقی ایران بحساب می آیند و کمتر در گلها

- الهه
- ایرج
- بنان
- پروین بینا (سیما)
- پرپوش

- پوران
- ثابت (اروپا)
- جهان
- روانبخش
- حمیرا
- رام ()
- روحانی (گلوریا)
- رفیعی (داریوش)
- زقدوکیل
- دلکش
- ستار
- سخائی (منوچهر)
- شجریان
- شکیلا
- سرشاد (شهلا)
- شیدا
- شهناز (جلیل)
- علیزاده
- عقیلی (سالار - مهرشاد)
- فروغی
- فرهاد
- عهدیه
- کامکار
- گلپایگانی
- گوگوش
- ویگن
- هایده
- مهستی
- مرضیه
- مهوش
- مقامی

گروه : کامکار (ابراهیمی ، افشار ...)

: ناظرین

: مهستان

: عقیلی (مهرشاد)

IV – موسیقی‌های جدید، مردمی، سنتی و پاپ

موسیقی‌های جدید ایرانی، حذف برنامه گلها در رادیو و ممانعت از برگزاری کنسرت در مجالس و محدود بودن بعضی از کنسرت‌های مذهبی در مراکز نیمه دولتی رویکردی جدید یافت و در خارج از کشور شروع به رشد نمود که اکثراً دارای شهرت‌های پنهانی در جوامع جوانان و غیر مقدس‌ها می‌باشد. موسیقی‌های سنتی نیز در میان جوامع بطور نیمه پنهان زده می‌شود و یا نزد چوپانان و یا در مراسم قهوه خانه‌ای در قدیم نقل می‌شد.

در ایالات متحده بشدت تلاش می‌شود که آواهای ایرانی حفظ شود و هنرمندان ایرانی آنرا به سبک‌های مختلف پاپ، کلاسیک در دستگاه‌های ایرانی، اپرا (در ایتالیا)، مجلسی و سنتی حفظ می‌کنند. گرایش به موسیقی پاپ بدلیل نزدیکی و آشنائی غربی‌ها به موسیقی می‌باشد و در جامعه متحرکی مانند آمریکا، موسیقی‌های مجلسی ایرانی سبک قدیم امکان نداشته و به سبک امروز در کالسیوم‌ها اجراء می‌شود. اندی، داریوش، گوگوش بدلیل داشتن امکانات و حمایت مالی و شهرت در این امر موفق تر از بقیه می‌باشند.

V – مارش نظامی

یکی از موارد کاربرد موسیقی از قدیم الایام ارتش‌ها بوده‌اند که در جنگ، صلح، سان و رژه‌های نظامی، صبح‌گاه، شامگاه، مراسم عزا و تقدیر پرسنل نظامی، در روزهای اعیاد و یا اتفاقات سیاسی، مراسم بزرگداشت، مراسم ورود و خروج سیاستمداران کشورها مانند مراسم ورزشی، سیاسی و مذهبی دیگر و در بعضی از کشورها مانند آمریکا در بین دو نیمه بازی بعنوان *PRIDE* در وسط زمین ورزشی با یونیفورم و انواع ساکسیفون، شیپور درام و پرکاشن، و یا بعنوان شروع یک مراسم کلاسیک به انجام مارش نظامی با لباسهای مخصوص ارتش می‌پردازند در جنگ نیز پرکاشن و درام از عوامل اصلی هماهنگی در جنگ‌ها بوده است و اصولاً یکی از رسته‌های مهم ارتش همین گروه کر و یا موسیقی می‌باشد.

مارش نظامی در تمام تمدن‌ها و ارتش‌ها و در تمام ایام تاریخ وجود داشته است و معمولاً سازهای آنها نیز با کمی تغییر یکسان بوده و سازهای ضربی بیشترین کاربرد و سازهای زهی (تقریباً) کمترین کاربرد را داشته است و سازهای بادی (شیپور ..) در صف جمع و نظام جمع بیشترین کارائی را داشته است.

VI – تعزیه خوانی و شبیه خوانی

شبهه‌خوانی و تعزیه‌خوانی بیشتر اشکال تئاتری و نمایشنامه‌ای دارند که با موسیقی همراه است در تعزیه‌خوانی از سازهای موسیقی مانند پرکاشن، سنج، شیپور، بوق، درام و نی استفاده می‌شود و به بیان حوادث اکثراً عاشورا و یا رستم و سهراب می‌پردازند (یعنی مجموعه مذهبی/ملی تاریخی)

شبهه‌خوانی و تعزیه‌خوانی هر دو با البسه همان زمان انجام می‌پذیرد و کر موسیقی در پشت صحنه قرار دارند.

تفاوت شبهه‌خوانی و تعزیه‌خوانی در ملی و مذهبی بودن آن است.

تعزیه از عزا مشتق شده و شبهه‌خوانی به مراسم اساطیری نیز اطلاق می‌شود (رستم و سهراب) این دو نوع تئاتر و موسیقی آن بیشتر صحرایی و روباز می‌باشند، امروزه در سالن‌های بزرگ نیز برگزار می‌گردد.

مراسم تعزیه‌خوانی در روزهای تاسوعا و عاشورا به اوج خود می‌رسد و داستان و اتفاقات مربوط به اکثر روز تاسوعا و عاشورا را تبیین می‌کند که البته هنرمندان آن از افراد متدین و معتقد انتخاب می‌شوند و حتی کسیکه نقش شمر و حرمله را بازی می‌کند معمولاً فرد بسیار معتقد بوده و باصطلاح از میان غلامان و یا پیر غلامان امام حسین (ع) انتخاب می‌شوند این مراسم در تکایا گاهی تا ساعتی بعد از نیمه شب طول می‌کشد. این مراسم بیش از آنکه جنبه نمایشی (در قدیم) داشته باشد جنبه عزاداری دارد. البته اجرای آن در سالن‌های نمایشی بیشتر جنبه نمایشی دارد.

VII - موسیقی ایرانی و روابط متقابل

موسیقی ایرانی ریشه در تقابل با زبانهای دیگر مانند عربی و مغولی دارد و نقطه اوج آن در دوران جدید به بعد از جنگ جهانی دوم تا قبل از انقلاب اسلامی و شروع روند رشد موسیقی لوس آنجلسی دارد که بیشتر مقاومت است چه در تقابل با جنگ با عراقی‌ها (بعنوان موسیقی رزمی دفاع مقدس) و چه در مقابل تهاجم فرهنگی عراقی، و چه خمود فکری و افکار شیادانه و دروغ پردازانه القائی زورمندان است که در واقع همان تهاجم اقتصادی با کتاب فرهنگ تصویری مردم ساده با یک فرهنگ و ایدئولوژی اقتصادی. دوران قدیم موسیقی ایرانی که بدلیل فقدان ضبط صوت و نوار و CD و ... و وسایل ضبط هزاره‌های پیش فقط آثار مکتوب از آنها مانده است (مانند دوران نکیسا، باربد، مانی و وسایل موسیقی مانند بربط، چنگ، ارغنون، رباب، دف).

دوران رشد موسیقی جدید ایران در یک مقطع در ۳-۴ دهه پیش بعد از (وکمی بیش از) جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد که انواع سبک‌های کوچه باغی، روستائی، سنتی، کلاسیک، پاپ، موسیقی فرمولی (مایه‌های شور، بیات، ماهور، سه‌گانه، ۷ دستگاه ۵ آواز به‌همراه گلهای رنگارنگ با اجرای فیروزه امیرنفر و آذر پژوهش و معمولاً به صدای مرضیه، گلپا، دلکش، ایرج، بنان، و... اجراء می‌شد و یا پاپ که توسط ویگن پنجه طلا (دارد) با ناصر رستگارنژاد و عطاء .. خرم پایه‌گذاری شد و بعدها گوگوش، ابی، ستار و ... آنرا ادامه دادند.

در سالهای ۱۳۵۰ انگار یک نهضت در موسیقی آغاز شد و داریوش، فریدون فروغی و با ظهور فرهاد و در پشت صحنه اسفندیار منفردزاده موسیقی پاپ ایران لرزید چنانچه نسل قدیم و جدید در مقابل هم قرار گرفتند (کوچه‌ها تاریکه، دکانها بسته است و من نیاز به ترا دو روز و گل گندم) موسیقی مجلسی ایرانی به دوران ۲ دهه قبل بر می‌گردد که با شرکت عمدتاً مرضیه، بنان انجام می‌شد (بوی جوی مولیان آید همی...)

در زمان جنگ با عراق یک نوع صدای روشن‌گری شنیده شد که همان موسیقی جنگی محسوب می‌شد و مردم یک کتیبه تاریخی زبان و فرهنگی را مشاهده نمودند البته در زمان انقلاب موسیقی موج خشم رشد یافت و مردم که در تب انتقام و بیماری هلندی اقتصادی و موج خشم بی‌نشانی‌گیر کرده بودند به آهنگ‌های انقلابی روی آوردند.

تفکیک پشت صحنه‌های موسیقی ایران (شعرا، تنظیم‌کنندگان اشعار برای ترانه، ترانه‌سراها، سازندگان آهنگ، نوازندگان ادوات موسیقی، خوانندگان، هماهنگ‌کننده‌ها) نیز مانند خوانندگان مشکل است. یکی خواننده هم ارکستر مجلسی می‌خواند و هم پاپ و یک مداح از اشعار سروده شده برای ترانه را می‌خواند آن دیگری هم سازنده آهنگ است و هم خواننده و دیگری شاعر و آهنگساز و لذا مجموعه پیش‌کسوتان و خلاقان موسیقی با ادوات موسیقی ایرانی و خوانندگان کلاسیک و قدیمی ایرانی تا قبل از دهه ۶۰ از نام‌های ذیل می‌توان نام برد.

نواب صفا، بیژن شرقی، غلامحسین صهبا، اسماعیل قهرمانی، ثابت، هما میرافشار، علی‌اکبر شیدا، استاد مشتیبانی، کامبیز مژده‌ی، داود پیرنیا، اقبال آذر (سلطان) باقری، ابوالحسن صبا، محسن خواجه نوری، نیکل الکندی، علی حاتمی، مجید کوشان، منوچهر چشم آذر، فرید رولاند، لعبت والا، پیرنیا جهانگیر ملک، اسدا... ملک، غلامحسین پایور، حسین تهرانی، مهدی خالقی، پرویز یاحقی، تجویدی، جواد بدیع زاده، خرم، انوشیروان روحانی، مجید وفادار شهریار، جلیل شهناز، عبادی، پرویز شکائیان، فرهنگ مهر، جهانبخش پازوکی، ملک الشعراء بهار، وحیددستجردی، گل گلاب، عارف قزوینی، علی‌اکبر شیدا، شهریار قنبری، استاد حیدری، رهی معیری، شهریار قنبری، عزت... انتظامی، تورج نگهبان، اتابکی، آذر پژوهش، فرهنگ فرهی، میرزا عبدا... لطفی

و اشعار: مولوی، حافظ، رودکی، وحشی بافقی، میرزاده عشقی، بابا طاهر، و به ندرت سعدی، فردوسی نصر... معینیان

حسن گلزاتی، محمد نوری، قمرالملوک ضربابی

خوانندگان و گروههای ایران به ترتیب (تا آنجا که ممکن است) از پیش قراولان تا لوس آنجلسی‌ها قمر الملوک ضربابی، جبلی، پروین، بنان، مرضیه، دلکش، ایرج، آفت، پوران، ابوالحسن صبا، خواجه نوری، پیرنیا

الهه، روانبخش، منوچهر سخائی، ویگن، سورن، صابر آتشین، داود مقامی، مهوش، پیروش، گلپایگانی، مصدق، جمشید شبیبانی، جواد بدیع زاده، اکبر شیدا، عارف قزوینی، عارف، مسعودی، فرشته گلزاقی، خواجه نوری،

داریوش رفیعی، منتجم شیرازی، روانبخش، عهدیه، ابی، رامش، گیتی، سالار عقیلی، مهدی خالقی، حمیرا، جمشید شیبانی، مهرجویا، فریدون فرعی، فرهاد، مهستی، حمیرا، کورش سرهنگ زاده، پری زنگنه، گلوریا روحانی، سیما بینا، عماد رام، گوگوش، ستار، داریوش، لیلیا فروهر، نوری، دلارام کشمیری، مارتیک، یساری، فریدون فرخزاد، عهدیه، ابی، شجریان، ناظریان، افتخاری، شهرام شب پره، شماعی زاده، زرین پنجه شهره، نوش آفرین، عصار، شادمهرعقیلی، آرش، کامرون، دکتر اصفهانی، خواجه نوری

خوانندگان باصطلاح لوس آنجلسی و جدید

عباس صادقی، بابک افشار، مهرداد، مهدی حسینی، جهان، معراج، محراب درتان، بیژن، رضا باقری، شاهکار، رضا اردستانی، فرزاد، مهرداد، سیاوش یوسفی، حمید، فرشید، پوریا فراهانی، امان آراسته، پیام، یلدا، شهرزاد سپانلو، مهرداد، سعید، انوش، مسعود درویش، بیژن آریا، مرتضی، سالار عقیلی، حسین تهی، جاوید، امید، دلی، مهرنوش، منصور زند، آرشاک، اسی، فردوسیال، احسان، افشین، آیدین، مارون، مهدی فرجام، میلاد نوری، سینا فردوسیان، احسان، افشین، گروه کیوسک، راک آن، آریان، کسری، ادريس، ادی، کامکار، لک کتر، رامین، رضا، مستان همای، آئینه

برخی از خوانندگان پارسی افغانی (مذهبی کلاسیک، ربات، دمبورا، پاپ)

سهیلا زند، جبل زلاند، وحید رستگار، حسب قادی، شفیق قیام، داود سرخوش، دریا داور، تمنا، وحید سمین، نجمه نوید، سلیمان سریر، علم خان، فردین فریاد، احسان امان، داود حنیف، طاهر ثراب، شیر هم درد، داود زنده یاد، استعداد منقال، صدیق رانوب، امیرجان سابری، آرش هویدا، نجم نواب، کومار سند، تواب آرسن، احمد شاه، نجیب راهی دلبارا، ابا ریواس، تمام آشکار، علی سرداری، واحد قسمی، علی اعتمادی، عابده پروین،

نجم نیکزاد، سابونی، جنون

نوعی طبقه بندی در موسیقی کلاسیک ایرانی -	<i>STRINGED</i> ساز زهی →	<i>POWERED PLUCKED STRUCK</i>	بربط، چنگ، تار، تنبور، سه تار، عود شور الکر، شهرود، ژوک، سنتور
پارسی بر اساس سازهای افغانی	<i>WOOD WIND</i> ساز بادی	<i>EXPOSED END BLOWN</i>	سورنا، کرنای، ترمه نی، نی، دوزانه شیپور، نی امثال، هفت بند
	<i>PERCUSSION</i> ساز ضربی	<i>AUXILIARY</i>	داریه، دف، دهل، مقاره، داریه زنگی تمپک، دمام، عود

COMPOSER – VIII های ایرانیبهزاد میرخوانی (اولین **COMPOSER** گیتار ۱۹۶۹ (۴۱ ساله، ۱۳۴۸)

کارهای او در دو دهه قبل شامل قطعات سولو گیتار، کنسرتو، استرنیگ کوارتت، ارکسترال موسیقی، با LABEL، آوای چنگ ساخت.

۱۹۹۱	ASTURIAS	کارهای ارائه شده
۹۲	THE FOAL	(تحت تاثیر سولوخف)
۱۹۹۳		سولوگیتار برای دانشگاه آزاد شمال تهران/بنروکال برای مهرداد پیکرزاده
۱۹۹۵		تهیه کنسرتو و سولو برای تالار رودکی
۱۹۹۷		تهیه سولوی گیتار برای انستیتوی فرهنگی اسطوریان تهران (OFK)
۱۹۹۸	BUDS	تهیه آلبوم شامل موسیقی اصیل با گیتار، پیانو، فلوت، گیتار باس
۱۹۹۹	IRAN RHAPSODY	تهیه آلبوم نوازش گیتار، پیانو، فلوت،
		تهیه توسط شرکت "طنین صوت"
۲۰۰۲		موسسه شهر باغ بانگ موسیقی رقص گیتار
۲۰۰۳		برگ گل
۲۰۰۴		گیتار رومن ۷۰ دقیقه و ۳D
۲۰۰۵		۷۰ دقیقه موسیقی اصیل روماننیک کیمیا
۲۰۰۷		مجموعه رسیتال و یاس و گیتار
۲۰۰۸		رسیتال گیتار و دیالان، مجموعه پارسی، اجرا توسط الناروجا
۲۰۰۹		رسیتال و یالن و گیتار اجرا توسط الناروجا و سیلویا کلوک در نیویورک
		WMP CONERT HALL & LEFRAK CONCERT HALL
		در AARON COPLAND SCHOOL OF MUSIC

بعدها مجوز صنف توسط خانه موزیک ایران نیز صادر شد.

عناوین آوازاها

بازگشت به طبیعت، بارون بارونه، BRAHMS WALZ، کنسرتو در G یمول، رویا، سرزمین رویاها، الهه ناز، احساس بران، برای آتنا، (رویای تمایلات مردان) JESO، LOVE WALTZ، LACRY MOSA، خاطرات، حال سحر، آدم طبیعی، کرم شب تاب، آرامش کامل، روماننیک، SORROW

دست اندرکاران موسیقی سمفونیک ایران، اپرا و ... F2 خوانندگان به ترتیب الفبا

مختال

مهوش (مهین بابلی)

هامون

هنگامه

هوتن

هوشنگ

استوار

سیمین

باغچه بان

احمد

پژمان

لوریس

چگنا واران

امین ...

حسین

مهدی

حسینی

مرتضی

حنانه

حسین

دهلوی

بهزاد

رنجبران

علی

رهبری

منوچهر

سحابی

بهرروز

غریب پور

هرمز

فرمت

پرویز

محمودی

یاسر

محمودی

محمودی خوانساری

محمد تقی

مسعودی

مسعودی

جلال

مقامی

امانوئل

ملیک اصلانیاں

روبیک

منصوری

عباس

مهرپویا

مهستان

غلامرضا و غلامحسین مین باشیان

حسین ناصحی

نیکلا نامی

محمد نوری

جمال وفائی

رضا ولی

یساری

کوروش یغمائی

ابی

اسی

امیر عباد

امیر عباس

اندی

ایرج

بردیا

پروین

پریوش

خاچیک

رامتین

رامش

رامین

روح انگیز

ساسان

ساشیا

سامان(نوشین)

سمیر

سورن

سوسن

شیدا

نویسنده : حسین زارع شحنه

با تشکر از سرکار خانم مریم مرحمتی

صبا

طاهر خان

عارف

عهديه

فتانه

فرج

فرهاد

کامی

کیان

گیتی

مارتیک

مختال

مهرنوش

مهستان

ویگن

هامون /رامتیز

هنگامه

هو تن / رامین

صابر آتشین

فرامرز آصف

فرامرز آفت

هنگامه اخوان

لقمان ادهمی

محمد اصفهانی

علیرضا افتخاری

داریوش اقبالی

طاهر خان بحر نور

جواد بدیع زاده

سیما بینا

حسام پویا

نویسنده : حسین زارع شحنه

با تشکر از سرکار خانم مریم مرحمتی

جبل
روح ا...
خالقی
خالقی
مهدی
ایرج و پسرش خواجه نوری
علی
دامن باغ
دشت گلی
ناصر
دیلمان
عماد
رام
راهنما
بابک
راهنما
رستمی
خسروخان
رقابتی
شایسته
روح بخش
گلوریا
روحانی
انوشیروان
روحانی
پری
زنگنه
ارشین
سامان
سراج
کورس
سرهنگ زاده
شهرام
شب پره
شهره
شب پره
عبدالوهاب
شهیدی
جمشید
شیبانی
اکبر
شیدا
ابوالحسن
صبا
قمرالملوک
ضرابی
عهدیه
طاهرخانی
عصار
شادمهر
عقیلی
علی
فخاری

شيفته	فراهانی
	فرايان
فريدون	فرخزاد
فريدون	فروغی
ليلا	فروهر
عليرضا	قربانی
دلارام	کشمیری
اکبر	گلپایگانی
منوچهر	گودرزی
ياسر	محمودی
علی	مختاری
	مسعودی
	مقامی
	منتجم شیرازی
	مهر پویا
نيکلا	نامی
گل	نراقی
	یساری
کوروش	یغمائی

دست اندر کاران موسیقی ایران به تفکیک

آهنگسازان

پرویز	ایرانپور
سیمین	باغچه بان
جواد	بدیع زاده
حبیب ...	بدیعی
عبدالحسین	برازنده
علی	بیرجندی
	پایور
جهان پناه	پیرنیا

پرویز	تابع
علی	تجویدی
علی	تجویدی
حسین	تهرانی
علی	تیموریان
امیر	جاهد
علی	جهرمی مشکاتیان
مهدی	خالدی
همایون	خرم
علی	خرم آبادی
پرویز	راحتی
اصغر	زارع
اسفندیار	سروران
حبیب	سماعی
فریدون	شهبال
جلیل	شهناز
علی اکبر	شیدا
	عبادی
علی	گیلکی فرهنگ مهر
جواد	لشکری
بزرگ	لشکری
کلیف	مارتین
اکبر	محسنی
پرویز	معتمدی
اسدا...	ملک
اسماعیل	مهرتاش
مرتضی	نی داود
حسن	یوسف زمانی

شعراي کلاسيک

ملک الشعراء	بهار
علی	بیرجندی
اردلان	پرواز
بیژن	ترقی
ایرج	تیمور تاش
امیر	جاهد
رضا	جنتی عطائی
علی	جهرمی
ابوالقاسم	حالت
ایرج	حقیقی عطایی
ایرج	دهقان
ناصر	رستگار نژاد
حسن	سادت
علی اکبر	شیدا
مظفر	شیرازی
آذر	صرافپور
منیر	طه
عبدا...	الفت
فروغ	فرخزاد
فرهنگ	فرهی
کریم	فکور
	کامکار
معین	کرمانشاهی
لیلا	کسری
تیمور	گرگین
حسین	گل گلاب
رهی	معیری
هما	میر افشار

شعراي کلاسيک

ارشات

نویسنده : حسین زارع شهنه

با تشکر از سرکار خانم مریم مرحمتی

حافظ

رودکی

سعدی

فردوسی

فریدزبان

مولانا

نواب صفا

وحشی بافقی

خوانندگان

آبتین

احسان

ارش

امید

امین

انوش

پوران

پویا

حسام

حمیرا

درویش

دلکش

رضا

رویا

سپیده

سعید

سوسن

سونیا/تارا

شروین

شهرزاد

عهديه

فرزاد

فرزان

فرشته

قيصر

كامران

كيوسك

گوگوش

گيتی

مارتیک

مرضى

مرضيه

معین

مهرداد

مهرنوش

مهسا

مهستی

نوش آفرین

هایده

هلن

الهه

ویگن

ياسمین

بیژن

آریا

باغچه بان

بدیع زاده

بنان

بینا

پروانه

تاج اصفهانی

جواد

غ.

سیما

خاطره

جلال

حسین	تهی
	دلان
عماد	رام
داریوش	رفیعی
	روانبخش
روح انگیز	زند
	زنگنه
شهرزاد	سپانلو
	سرهنک زاده
روحبخش	شایسته
ملوک	ضرابی
احسان	عمر نوری
پوریا	فراهانی
حسین	قوامی
	گلپایگانی
نادر	گلچین
	مسعودی
	مقامی
پری	نصر
قمرالملوک	وزیری
جمال	ونائی

IVV - مروری بر زندگی نامه بعضی از هنرمندان پیشگام

گیتا

گیتا از خوانندگان ایرانی بود. او با آهنگ «الو خواهش می‌کنم» معروف شد و آهنگهای «اگه عشق همینه» و «دش آکل» از آهنگهای معروف او هستند، بویژه که قسمتی از آهنگ داش آکل که در برگیرنده^۱ متن «از اون خونه صدای دست، صدای خوندن میاد، از دل من صدای غم، صدای مردن میاد» است، به عنوان یکی از احساساتی‌ترین و سوزناک‌ترین صداهای خوانندگان عصر شاهنشاهی ایران عنوان شده است. همچنین چون گیتا اصلیتی تبریزی دارد، چند آهنگ به زبان ترکی نیز به صورت دو صدایی با خواننده محبوب و معروف تبریز "زنده یاد پیمان" اجرا کرده است. و همسر او جمشید نجفی است.

ترانه‌های او را می‌توان به ترتیب ذکر کرد

- اگه عشق همینه - الو خواهش میکنم- با پای خسته- بد بیاری- بنفشه- انگار نه انگار- عشق دروغه- ای ساروان ای - کاروان - خاطر خواه- خجالت - کلبه- مهر و وفا- نرو نرو- پیچ- شیطون- داش آکل- محبت- دختر گل فروش (دو صدایی با جمشید نجفی)
- الو جانیم لیلا (دو صدایی با زنده یاد پیمان)
- گل بیزه پروانه (دو صدایی با زنده یاد پیمان)
- رحم ائله (دو صدایی با زنده یاد پیمان)

بیوگرافی نادر گلچین

نادر گلچین در سال ۱۳۱۵ در شهرستان رشت دیده به جهان گشود. از کودکی به موسیقی علاقمندی فراوان داشت و از ۱۲ سالگی همکاری با رادیو رشت را آغاز و خواننده محلی گیلان شد. سال سوم دبیرستان به هنرپیشگی روی آورد و در تئاتر رشت در نمایشنامه‌های "بارگاه هارون الرشید"، "خواب های پینه دوز" شرکت کرد و آوازهایی را در بازیگری اجرا کرد. سال ۱۳۳۹ به تهران آمد و مستقیماً فعالیت‌های هنری خود را در اداره هنرهای زیبا و وزارت فرهنگ و هنر آغاز کرد.

اولین برنامه خود را با ارکستر محمود تاج بخش اجرا کرد و تا سال ۱۳۵۴ همکاری با ارکسترهای مختلف را در این مراکز هنری ادامه داد.

نادر گلچین در سال ۱۳۵۰ همکاری خود را با رادیو ایران آغاز کرد و در برنامه های مختلف رادیو، به خصوص برنامه گلها فعالیت چشمگیری داشت.

از کارهای او که بسیار مورد استقبال شنوندگانش واقع شد، اجرای آهنگ "آمد نوبهار" مهدی خالقی بود که به رهبری فرهاد فخرالدینی بازسازی و با گروه کر رادیو اجرا شد. او همکاری خود را با رادیو تا سال ۱۳۶۲ ادامه داد.

نادر گلچین بر اساس قراردادهای فرهنگی - هنری بین ایران و دیگر کشورها، همراه با ارکستر فرامرز پایور، به الجزایر رفت و موسیقی سنتی ایران را به هنردوستان آن کشور معرفی نمود. از دیگر کارهای برجسته این هنرمند، کنسرتی بود که به نفع زلزله زدگان بوئین زهرا، همراه با ارکستر عماد رام برگزار کرد.

نادر گلچین در طول فعالیت‌های هنری خود، متجاوز از ۳۰۰ آواز و آهنگ اجرا کرد.

او در جوار کار خوانندگی، مدیر مسئول یک شرکت تکثیر نوار مجاز موسیقی نیز می‌باشد.

حسین قوامی

نام حسین قوامی هنرمندی که بیش از نیم قرن در خدمت موسیقی ایرانی بود، نام آشنای صاحب‌دلان است و مقام والای او بر کسی پوشیده نیست مردی فروتن و بی ادعا که آوای دلنشین او در دلها جای دارد و صفحات یا نوارهای آوای جاودانی اش را در هر خانه‌ای می‌توان سراغ گرفت. قوامی نه تنها خدمتگزار موسیقی بلکه مروج شعر و ادبیات نیز بود. شعرها را چنان واضح و آشکار می‌خواند که هر شنونده‌ای می‌فهمید، احساس می‌کرد و بدان گوش می‌سپرد. با قوامی "رضی‌الدین آرتیمانی" را شناختیم و به حال و هوای اشعار سعدی و حافظ و مولانا نزدیک شدیم. صدای نرم و بی‌مانندش، درک فوق‌العاده‌اش از شعر و آگاهی ژرفاش از موسیقی ایرانی، نام ویاد او را هرگز از قلب دوستدارانش نخواهد زدود.

سال ۱۲۸۸ خورشیدی در تهران زاده شد، مادرش آوای گرمی داشت و به گفته‌ی استاد "..... هنگام تلاوت قرآن متوجه صدای گیرا و جذابش می‌شدیم" از ده - دوازده سالگی با صفحاتی که در دسترس بود به تقلید از صدای خوانندگان پرداخت، هر چند که کار آسانی نبود و مخالفت پدر را نمی‌توانست سرسری بگیرد.

مرحوم حسین خان اسماعیل زاده استاد بزرگ موسیقی نزدیک خانه‌ی قوامی کلاس تعلیم داشت. استادی که هنرمندانی مانند: صبا - مرتضی محجوبی - رضا محجوبی - حسین یا حقی - حسین تهرانی و ... از شاگردان او بودند. رفت و آمد خانوادگی سبب شد تا مرحوم اسماعیل زاده به قدرت صدای حسین پی ببرد و به او پیشنهاد تعلیم بدهد اما پدر تسلیم ناپذیر می‌نمود. همسایگان و اهل محل چون دیدند حسین ضمن علاقمندی به آداب مذهبی صدای خوشی دارد، شبهای ماه رمضان دنبالش می‌رفتند و او را به مسجد سپهسالار می‌بردند و از روی دفترچه‌ای که به دستش می‌دادند نزدیک به نیم ساعت در گلدسته‌ها مناجات خوانی می‌کرد. این نیز چندان نپایید و با ممنوعیت پدر رو برو شد. از آن پس حسین تنها می‌توانست در خانه و دور از چشم پدر با استفاده از صفحه به تمرین آواز سرگرم شود.

پس از درگذشت پدر، مادر روشنفکر فرمان آزادی حسین را صادر کرد و چون برادرش مشغول یادگیری تار بود به کمک وی با استادانی چون احمد عبادی و حسین یا حقی آشنا شد. سال ۱۳۰۸ تصادف به یاری او شتافت و مرحوم "ظلی" را شناخت. شناختی که به دوستی نزدیک انجامید و تا پایان عمر "ظلی" ادامه یافت. سال ۱۳۱۲ نخست با برادران وفادار و به دنبال آن با یکی از خوانندگان مشهور و سطح بالای آن دوران "مرحوم عبدالله حجازی" آشنا شد و مدت ۶ سال نزد او به تعلیم آواز و شناخت ردیفهای موسیقی ایرانی گذراند. همزمان از محضر دیگر استادان کسب فیض کرد و به مقامی رسید که اساتید موسیقی معتقد شدند که او دستگامها و مقامها را به کمال می‌شناسد و اجرا می‌کند.

سال ۱۳۲۵ شادروان حسینقلی مستعان نویسنده‌ی مشهور که ریاست رادیو را داشت از او خواست تا همراه برادران وفادار برنامه‌ای در رادیو اجرا کند. او خود در این مورد گفته ".... شب قول دادم اما صبح پشیمان شدم. می‌خواستم تلفنی انصراف خود را اطلاع دهم اما مستعان شبانه خبر را به رادیو داده بود. کار از کار گذشته بود. ساعت ۱/۵ همراه با برادران وفادار و مرحوم همدانیان برنامه اجرا شد و بدنبال آن تلفن‌های رادیو برای شناختن این خواننده به صدا در آمد. اما کسی جواب قانع کننده‌ای نگرفت، قوامی افسر ارتش بود و خوانندگی برای نظامیان ممنوع. این برنامه آوازی در مایه‌ی ابوعطا بود و او خود احساسش را چنین بیان کرده "بار اول که می‌خواستم اجرای برنامه کنم، وحشت کرده بودم و حتی در شروع برنامه از فکر اینکه میلیون‌ها نفر صدای مرا می‌شنوند و اگر وسط کار، برنامه خراب شود، چه آبروریزی خواهد شد، بدنم به لرزه افتاد. ولی بعدها این مسئله عادی شد".

او شش ماه با نام (ناشناس) آواز خواند و پس از آن به پیشنهاد مرحوم روح الله خالقی نام مستعار (فاخته‌ای) را برگزید و تا سال ۱۳۴۱ که باز نشسته شد، توانست با نام واقعی خودش برنامه اجرا کند. شادروان قوامی از سال ۱۳۲۵ تا سال ۱۳۳۱ هر هفته روزهای جمعه در رادیو برنامه داشت و نزدیک به ۳۰۰ برنامه اجرا کرد که متأسفانه به دلیل کمبود امکان ضبط و پخش مستقیم اثری از آنها بر جای نمانده است. از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۷ به علت ماموریت‌های نظامی خارج از تهران، از رادیو کناره‌گیری کرد. نگارنده در سال ۱۳۳۷ افتخار آن را یافتم تا در اراک با استاد آشنا شوم.

سال ۱۳۳۷ مرحوم داوود پیرنیا بانی برنامه‌ی "گلها" استاد را به همکاری دعوت کرد، او که شش سال در رادیو برنامه اجرا نکرده بود، ابتدا نپذیرفت. اما وقتی دانست چگونگی برنامه‌های موسیقی رادیو تغییراتی کرده و به خصوص برنامه‌ی گلها وضع آبرومندان و فرهنگی دارد، و ارکستر بزرگ گلها را از نزدیک دید، با شرط موافقت ارتش پذیرفت. مرحوم پیرنیا هم با نفوذ و اعتباری که داشت این موافقت را کسب کرد، و چنین بود که استاد بین سالهای (۴۵-۱۳۳۷) یکی از پرکارترین خوانندگان برنامه‌ی گلها بود.

دست‌آورد این دوران نزدیک به ۴۰۰ برنامه در (گلهای رنگارنگ ۱۶۲ برنامه، گلهای جاویدان ۴۴ برنامه، برگ سبز ۸۷ برنامه، شاخه گل ۳۹ برنامه، گل‌های تازه ۲۷ برنامه و متفرقه ۱۸ برنامه است).

استاد قوامی در تلویزیون نیز فعالیت داشت و شاگردانی تعلیم داد، او خود گفته "در سالهای آغازین کار تلویزیون، کلاسی در ساختمان تلویزیون تاسیس شد و از بین گروهی داوطلب ۱۸ نفر برای تمرین آواز انتخاب شدند. حدود یک سال به همراهی استاد حنانه، زرین پنجه و استاد بهاری به تعلیم شاگردان پرداختیم و هر کدام از ما آموزش یکی از رشته‌های موسیقی را بر عهده داشتیم".

سال ۱۳۴۶ به دعوت سازمان یونسکو، همراه با گروهی از هنرمندان برنامه‌هایی در آلمان و فرانسه اجرا کرد. برنامه‌ی او چنان مورد توجه مردم قرار گرفت که قوامی و یارانش را گلباران کردند. برنامه‌ای نیز به مدت یک هفته با همراهی ۱۷ تن از هنرمندان ایرانی در (کابل) اجرا کرد که بی‌نهایت چشمگیر بود و مورد تشویق مردم افغانستان قرار گرفتند.

در همین سال به همراهی استادان (جلیل شهنواز و کسایی) برنامه‌ای در سالن دانشکده‌ی ادبیات برای گروهی از بزرگان موسیقی جهان، اجرا کرد که بسیار جالب بود و یکی از استادان خارجی طی مصاحبه‌ای مطبوعاتی گفت "من تصور می‌کردم که آواز ایرانی دارای ریتم نمی‌باشد ولی در اجرای برنامه‌های قوامی متوجه شدم که این خواننده ریتم را در آواز رعایت می‌کند و به نوازندگانش توجه ندارد و حاکم برنامه است. درست موقعی که باید آواز شروع کند شروع می‌کند و همین امر باعث شد که متوجه شوم ریتم آواز ایرانی، چهار ضربی است و تنها قوامی این را رعایت می‌کند و من این رعایت ریتم را در خوانندگان دیگر ندیدم و نشنیدم. قوامی در آواز ایرانی در سطح عالی و بالاتر از دیگر خوانندگان قرار دارد.

استاد نورعلی برومند نیز نظری همانند این داشت و معتقد بود که در آن شرایط و برهه از زمان در بین خوانندگان، قوامی در سطح بالاتری قرار دارد و خواننده‌ای نداشتیم که بتواند همپایه‌ی او بخواند.

مرحوم قوامی با هنرمندان معاصر خود روابطی دوستانه داشت و با همکاری استادانی مانند: مرحوم خالقی، مرحوم بدیعی، و عزیزانی چون: تجویدی، پرویز یاحقی و مهندس همایون خرم آهنگ‌های به یاد ماندنی اجرا کرد، ترانه‌های گیتی افروز (داد از دل) ساخته‌ی استاد تجویدی، سرگشته (توای پری کجایی) ساخته‌ی همایون خرم، جوانی از پرویز یاحقی، (ساقی‌نامه) از مرحوم بدیعی، آهنگ بختیاری شوشتری (محلای دو صدایی) از مرحوم خالقی، بخشی از این همکاریهاست.

شادروان قوامی، حال و هوای شعر و آهنگ را درک می‌کرد و همواره چنان می‌خواند که شاعر و آهنگ ساز را به شگفتی وامی‌داشت. در سال ۱۳۶۶ نواری با عنوان (آوای فاخته) با آهنگی از عماد رام و صدای قوامی با اشعار حافظ و نیما و سال ۱۳۶۷ نیز (بهار عاشقان) که شاهکاری از قوامی و همایون خرم است با اشعار مولانا منتشر شد که شگفتی آفرین است و بیانگر آنکه این هنرمند در مرز ۸۰ سالگی هم همان صدای گرم‌گیرا و دلنشین را داشت و چنین مردی هرگز نخواهد مرد.

مرحوم قوامی در اواخر عمر به دلیل بیماری گوشه‌گیری گزید و خانه نشین بود، ضعف چشمان توان خواندن و نوشتن را از او گرفته بود. تنها یاران نزدیکی چون عبدالعلی وزیری و مهندس گلشن ابراهیمی، گاهی به دیدارش می‌رفتند و از میان موسیقی‌دانان، شهرام ناظری شاید تنها کسی بود که لحظه‌ای او را فراموش نکرد. همه او را دوست داشتند، حتی جوانان کم سن و سال که با دسته‌های گل به خانه‌اش می‌رفتند، چهره‌ی تکیده و مهربانش را می‌بوسیدند و او با لبخند به این بوسه‌های لبریز از صفا و محبت پاسخ می‌داد، شگفت زده می‌شد از اینکه می‌دید بر خلاف تصور، جوانان او را می‌شناسند و دوستش دارند. افسوس که (فاخته‌ی خوشخوان و هنرمند، دیگر آن حال و حوصله‌ی گذشته را نداشت، می‌توانست بخواند و خود می‌گفت "این چشمه در من خشک نشده، شوق خواندن نمانده".

سرانجام، غروب روز پنجشنبه هفتم اسفند ماه ۱۳۶۸ جهان را بدرود گفت و پرنده‌ی روح (فاخته) به آسمانها پرکشید. مراسم تشییع شکوه‌مندی برگزار شد و پیکر آن روانشاد از برابر تالار وحدت (رودکی) با بدرقه‌ی هزاران تن شیفتگان موسیقی ملی و دوستان به امامزاده طاهر کرج منتقل و در کنار دوست دیرین و هم‌نوای هنر آفرینش، سلطان آواز شادروان غلامحسین بنان به خاک سپرده شد.

قمرالملوک وزیری

یکی از شیر زنان ایران که در بین هنرمندان معاصر نقش مهمی داشته است قمرالملوک وزیری می‌باشد که سالیان دراز ستاره درخشان آسمان هنر ایران بود. صدای رسای قمر که از نخستین زنان خواننده ایران در دوران معاصر کشور ما بود علاقمندان شیدایی نظیر تیمورتاش و عارف داشت که استاد مرتضی نی داود توانست او را کشف کند و از این خواننده اشعار مذهبی، هنرمندی بسازد که سالیان دراز نامش در هر محفل و مجمعی ورد زبان‌ها بود.

قمر در کودکی پدر و مادرش را از دست داد و با مادر بزرگ خود زندگی می‌کرد. نزدیکی با مادر بزرگ که خواننده اشعار مذهبی بود نخستین انگیزه‌ی رغبت او به خواندن شد. ابتدا نزد یک معلم گمنام و همچنان ناشناخته، به فراگیری آواز پرداخت و پس از آن با مرتضی نی داود آشنائی پیدا کرد. راهیابی به محضر این استاد از یک سو قمر را با ردیف موسیقی ملی آشنا کرد و از سوی دیگر راهش را برای کسب تجربیات بعدی از استادان دیگر هموار ساخت. مرتضی نی داود درباره نخستین برخورد خود با قمر چنین می‌گوید که: "... اولین بار که قمر را دیدم سنش خیلی کم بود. در حدود هفده یا هجده سال داشت. این دیدار در محفلی پیش‌آمد که من هم به آن دعوت شده بودم. یکی از حاضران ساز می‌زد ولی من هیچ از طرز نواختنش خوشم نیامد. اما

همین که قمر شروع به خواندن کرد به واقعیت عجیبی پی بردم. صدای این خانم جوان به قدری نیرومند و رسا بود که نمی‌شد باور کرد ... "همین آشنائی نخستین بود که پس از دو سال پای قمر را به کلاس نی داود باز کرد. کار پیشرفت قمر در مدتی کوتاه به آنجا رسید که کمپانی "هیزماسترزویس" به خاطر ضبط صدای او دستگاه صفحه پر کنی به تهران آورد. بعد از آن کمپانی "پولیفون" هم آمد و کمپانی‌های دیگر و به قول نی داود، قمر این همه اهمیت پیدا کرده بود.

قمر الملوک وزیری پس از شیدا و عارف در موسیقی نوین ایران رخ نمود ولی بی تردید نقشی دشوارتر و دلیرانه تر از آن دو ایفا کرده است؛ زیرا اگر مردی که به موسیقی می‌پرداخت گرفتار طعن و لعن می‌شد ولی مجازات زن موسیقی‌پرداز "سنگسار شدن" بود. زن برده در پرده بود، پرده‌ای به ضخامت قرن‌ها. قمر به هنگام نخستین کنسرت خود که در آن "بی‌حجاب" ظاهر شده بود، سر و کارش به نظمیه افتاد. این ماجرا اگر چه برای او خوشایند نبود، ولی بهر حال سر و صدایی کرد که در نهایت به سود موسیقی و جامعه زنان بود. قمر خود دربارهٔ نخستین کنسرتش می‌گوید: " ... آن روزها، هر کس بدون چادر بود به کلا نتری جلب می‌شد. رژیم مملکت تغییر کرده و پس از یک بحران بزرگ دورهٔ آرامش فرارسیده بود مردم هم کم‌کم به موسیقی علاقه نشان می‌دادند. به من پیشنهاد شد که بی‌چادر در نمایش موزیکال گراند هتل حاضر شوم و این یک تهور و جسارت بزرگی لازم داشت. یک زن ضعیف بدون داشتن پشتیبان، میبایست برخلاف معتقدات مردم عرض اندام کند و بی‌حجاب در صحنه ظاهر شود. تصمیم گرفتم با وجود مخالفت‌ها این کار را بکنم و پیه کشته‌شدن را هم به تن خود بمالم. شب نمایش فرا رسید و بدون حجاب ظاهر شدم و هیچ حادثه‌ای هم رخ نداد، و حتی مورد استقبال هم واقع شدم و این موضوع به من قوت قلبی بخشید و از آن به بعد گاه و بیگاه بی‌حجاب در نمایش‌ها شرکت می‌جستم و حدس می‌زنم از همان موقع فکر برداشتن حجاب در شرف تکوین بود ... ". او نخستین زنی بود که بعد از قره‌العین بدون حجاب در جمع مردان ظاهر شد. و می‌گفت:

مرمرا هیچ گنه نیست به جز آن که زنم زین گناه است که تا زنده ام اندرگنم

قمر نخستین کنسرت خود را در سال ۱۳۰۳ برگزار کرد. روز بعد کلانتری از او تعهد گرفت که بی‌حجاب کنسرت ندهد. قمر عواید کنسرت را به امور خیریه اختصاص داد. قمر در سفر خراسان در مشهد کنسرت داد و عواید آن را صرف آرامگاه فردوسی نمود. در همدان در سال ۱۳۱۰ کنسرت داد و ترانه‌هایی از عارف خواند. وقتی نیرالدوله چند گلدان نقره به او هدیه کرد آن را به عارف پیشکش نمود. با این که عارف مورد غضب بود. در سال ۱۳۰۸ به نفع شیر خورشید سرخ کنسرت داد و عواید آن به بچه‌های یتیم اختصاص داده شد. به گفته دکتر خرمی ۴۲۶ صفحه و به گفته دکتر سپنتا ۲۰۰ صفحه از قمر ضبط شده است.

کشایش رادیو به سال ۱۳۱۹ بزرگترین تکیه‌گاه قمر و هنرمندان همزمان او بود. مردم توانستند در سطحی

گسترده تر با او رابطه برقرار سازند. رابطه‌ای که به زودی به پیوندی ناگسستنی تبدیل شد. دیگر همه گوش‌ها تشنه صدای مخملی قمر شده بود. قمر دیگر به اوج شهرت رسیده بود و بزرگان شعر و ادب و موسیقی برای دیدارش و بهره‌گیری از صدای یکتایش سرودست می‌شکستند. تاریخ موسیقی ملی ما، هرگز چنین اوج پیروزمندانه‌ای را به نام کسی ثبت نکرده و چنین جذبه‌ای را در هنر و صدای کسی به یاد ندارد. مقتدران کیسه‌های اشرفی به او هدیه می‌کردند و هنرمندان بی‌زور و زر، عشق هیجان‌زده خود را نثارش می‌ساختند. تیمورتاش وزیر دربار عاشق دلخسته او بود، عارف قزوینی شیفته و مجذوب او شده بود و ایرج میرزا با وجود خوبرویان دیگرش دل در گرو عشق قمر داشت. قمر نیز مانند عارف درویش بود. از گردآوری زر و سیم پرهیز می‌کرد و به اصطلاح اهل فن گردآوری، از (عقل معاش) بی‌بهره بود. درآمدهای بزرگ و هدایای گران را به دست نیامده از دست می‌داد. اندرزه‌های مشفقانه دوستان نیز در او مؤثر نیفتاد و حتی در هنگام تنگدستی نیز گشاده‌دستی را از دست نمی‌نهاد. حسن علوی‌کیا در مجله ره‌آورد چنین می‌نویسد: در سالهای ۱۳۲۵ یا ۲۶ با عده‌ای از دوستان در خانه دکتر فرزین دندان پزشک دعوت داشتیم که قرار بود قمرالملوک وزیری هم در آن میهمانی شرکت کند همراه دکتر به کاباره‌ای که قمر می‌خواند رفتیم و بعد از ساعت ۱۰ شب سوار اتومبیل ما شد و گفت می‌خواستم خواهش کنم مرا به حدود اکبرآباد ببرید که قبول کردیم. وقتی به آنجا رسیدیم به یکی از باغ‌های قدیمی وارد شد و داخل ساختمان توی اتاقی رفت که محل سکونت باغبان بود. پنجره‌ای به خارج داشت که داخل اتاق دیده می‌شد. قمر وارد اتاقی شد که یک زن و مرد جوان با دو بچه زیر کرسی نشسته بودند. قمر یکی از بچه‌ها را که ظاهراً بیمار بود بغل گرفت و بوسید و کیف پول خود را باز کرد و یک بسته اسکناس درآورد و روی کرسی گذاشت. معلوم شد مزد آن شب کاباره را به این خانواده داده است. قمر وقتی بیرون آمد عذرخواهی کرد و گفت مادر این بچه بیمار سالها به من خدمت کرده و من هر شب به آنها سر می‌زنم. قمرالملوک وزیری در سالهای آخر عمر در اتاقی که فرش نداشت زندگی می‌کرد. به شدت بیمار بود. حتی کسی را نداشت که برایش غذا بپزد. نورعلی برومند و حسین ضربی همت کردند و دوستداران قمر برای او پولی جمع کردند که حدود ۱۲ هزار تومان شد تا خانه‌ای در تهران پارس بخرد. پول را به قمر دادند و چند روز بعد بدیدار او رفتند که او را یاری کنند تا خانه را بخرد، معلوم شد تمام آن پول را به بچه یتیمی داده که قمر سرپرستی او را بر عهده داشته است تا برای خود خانه‌ای بخرد و پس از قمر در آن خانه زندگی کند. قمر چند روز بعد فوت کرد. قمرالملوک وزیری عاقبت در شامگاه پنجشنبه پانزدهم مرداد ماه ۱۳۳۸ در شمیران، در خانه یکی از نزدیکانش درگذشت. استاد محمد حسین شهریار غزل زیبایی دارد درباره قمر که چنین است:

از کوری چشم فلک امشب قمر اینجاست آری قمر امشب به خدا تا سحر اینجاست

آهسته به گوش فلک از بنده بگوئید چشمت ندود اینهمه یکشب قمر اینجاست

آری قمر آن قمری خوشخوان طبیعت آن نغمه سرا بلبل باغ هنر اینجاست

شمعی که بسویش من جان سوخته از شوق پروانه صفت باز کنم بال و پر اینجاست

تنها نه من از شوق سر از پا نشناسم یکدسته چو من عاشق بی پا و سر اینجاست

هر ناله که داری بکن‌ای عاشق شیدا جانی که کند ناله عاشق اثر اینجاست

مهمان عزیزی که پی دیدن رویش همسایه همه سرکشد از بام و در اینجاست ساز خوش و آواز خوش و باده دلکش ای بیخبر آخر چه نشستی خبر اینجاست آسایش امروزه شده درد سر ما امشب دگر آسایش بی دردسر اینجاست ای عاشق روی قمر ای ایرج ناکام برخیز که باز آن بت بیدادگر اینجاست آن زلف که چون هاله به رخسار قمر بود باز آمده چون فتنه دور قمر اینجاست ای کاش سحر ناید و خورشید نزاید کامشب قمر اینجا قمر اینجا قمر اینجاست داریوش اقبالی

داریوش با نام کامل داریوش اقبالی (زاده ۱۵ بهمن ۱۳۲۹ در تهران)، خواننده، بازیگر و فعال اجتماعی ایرانی است.

داریوش در ۱۵ بهمن سال ۱۳۲۹ خورشیدی در میانه به دنیا آمد. پدرش محمود اقبالی، از ملاکان آذربایجان (شهرستان میانه) بود. داریوش دوران کودکی را در تهران گذراند. اولین بار در ۹ سالگی در جشنی در مدرسه شهرآرا به روی صحنه رفت. دوران دبیرستان را در دبیرستان‌هایی همچون دبیرستان فارابی، دبیرستان کرج، دبیرستان رازی دبیرستانی در سنندج، و دبیرستان آزادگان تهران پارس گذراند و در مراسم هنری به اجرای برنامه‌های هنری می‌پرداخت. وی در آمریکا دست از اعتیاد کشید.

در ۱۳۴۹ با حسن خیاط‌باشی آشنا می‌شود و همین ورود رسمی او به موسیقی حرفه‌ای است. در همین سال او با ترانه به من نگو دوستت دارم به شهرت می‌رسد. لازم به توضیح است که اولین ترانه مستقل او ترانه نبسته پیمان بوده است از علی گزرسز (رها) آهنگ از داریوش اقبالی. (فعالاً وی در VA در L.A فعالیت می‌نماید).

داریوش در روز ششم شهریور ماه ۱۳۵۳ توسط سازمان امنیت شاهنشاهی دستگیر و مدت ۹ ماه در زندان می‌ماند، در همان روز روزنامه اطلاعات عکسی از او به چاپ می‌رساند که پلیس مدعی شده بود که او را به جرم مصرف و نگهداری مواد مخدر دستگیر کرده است که آن مطلب دروغ محض بود و ساواک او را به خاطر اجرای ترانه‌های سیاسی‌اش مثل بوی گندم، جنگل، پریا و رهایی به زندان انداخته بود.

با سر کار آمدن جمهوری اسلامی، داریوش نیز مانند اکثر خوانندگان پاپ ایرانی آن زمان، از کشور خارج شد و به انگلستان و به شهر برموس نقل مکان کرد و پس از دو سال اقامت در آنجا به دعوت احمد محمود عازم آمریکا شد.

داریوش در آلبوم دنیای این روزای من ترانه ای به نام قیصر خواند که به بهروز وثوقی تقدیم کرد. داریوش چه در زمان سلطنت محمدرضا شاه پهلوی و چه بعد از انقلاب ۱۳۵۷ و پس از روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی به مخالفت با روش زمامداران حاکم بر ایران پرداخت. وی پیش از انقلاب به بهانه اعتیاد به زندان افتاد. بر اثر پاشیدن اسید از سوی دختری که می‌گویند او را دوست داشته است به سوی وی، باعث شد تا برای معالجه به آمریکا برود. از این روی در زمان انقلاب ۱۳۵۷، وی در ایران نبود. پس از آن نیز وی به کشور بازنگشت.

داریوش در وبلاگ شخصی خود دلیل خروج از ایران را چنین بیان کرده: «پس از انقلاب ۱۳۵۷ و به دنبال کشتار، خونریزی و خفقان حاکم بر سرزمین‌ام، مجبور به ترک وطن شدم. از آن زمان تا حال، در سفری بی‌انتهای می‌کوشم در کنار هموطنانم سرود ایرانی آزاد را هم‌صدا شوم».

وی در طی سالهایی که بیرون از ایران بوده، همواره از پناهجویان ایرانی حمایت کرده است و در تظاهرات‌های حمایت از این افراد فعال بوده است و نیز با تشکیل بنیادهایی همچون آینه به حمایت از معتادان برخاسته است. http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D9%88%D8%B4_%D8%A7%D9%82%D8%A8%D8%A7%D9%84%DB%8C - cite note-3

همچنین در سال ۱۳۸۸ همگام با اعتراض مردمی به انتخابات ریاست جمهوری ایران ترانه خون بازی را سروده که محتوای آن به مفهوم "آخرین سنگر سکوت" پرداخته است.

در دهه پنجاه خورشیدی شخصی با حمله به داریوش بر صورت او اسید پاشید و وی مدتی در بیمارستان بستری شد. برای کاهش درد به وی مرفین داده می‌شد و تکرار این کار باعث شد تا وی گرفتار اعتیاد به مواد مخدر شود. به گفته خود داریوش تا قبل از این ماجرا آشنایی وی با مواد مخدر اندک بوده است.

پس از سال‌ها اعتیاد وی سرانجام تصمیم به ترک می‌گیرد و به کمک متخصصان موفق می‌شود اعتیاد را ترک کند. اولین برنامه رسمی داریوش بنام آینه در رادیو AFN (میبیدی) بود و در سال ۲۰۰۳ سایت بهبودی را که اولین وب‌گاه ایرانی برای کمک به معتادان و خانواده‌ها بود راه‌اندازی کرد و سپس با همکاری دو پزشک، بنیادی به نام آینه تأسیس کرد تا به یاری معتادان برود. گفته می‌شود از زمان تأسیس این بنیاد تاکنون نزدیک به ۴۰ هزار نفر ترک اعتیاد کرده‌اند. بعد از رادیو وی تصمیم به گسترش کار خود می‌گیرد و برنامه آینه را در تلویزیون‌های ۲۴ ساعته ادامه می‌دهد وی همچنین در همایش‌ها و کنفرانس‌های متعدد ترک اعتیاد شرکت کرده است.

- بوی گندم از شهیار قنبری
- نبسته پیمان، ترانه از علی گزرسز، آهنگ داریوش اقبالی
- ای غم من، ترانه از علی گزرسز، آهنگ داریوش اقبالی
- میدونم یه روزی، ترانه از علی گزرسز، آهنگ از داریوش اقبالی
- یادمه اون قدیما، ترانه از علی گزرسز، آهنگ داریوش اقبالی
- لب دریا از مریم حیدرزاده
- با من از ایران بگو شعر اصلی از م سپند با همکاری علی گزرسز آهنگ از بیژن قادری تنظیم احمد پژمان خوانندگان، داریوش، ستار، مرتضی، آصف، اندی، مولود ذهتاب، بهرام، مهرداد، داوود بهبودی و علی نظری
- حیدر بابا از منظومه محمدحسین شهیار آهنگ داوود بهبودی
- خون بازی
- سیصد گل سرخ، ترانه از محمد اصفهانی

فیلم‌شناسی

- یاران کارگردان فرزان دلجو
- فریاد زیر آب کارگردان سیروس الوند

جوایز و افتخارات

- جایزه سیمون و رونالد رایت بابت حمایت از حقوق اقلیت سال ۲۰۰۵
- نشان صلح در فستیوال فیلم، موسیقی و رسانه‌های تصویری بحرین
- جایزه بین‌المللی شر به خاطر فعالیت‌های پیوسته در ارتباط با اعتیاد و معضلات اجتماعی
- کورس سرهنگ‌زاده در سال ۱۳۱۶ در پاریز سیرجان متولد شد. اکثر آهنگ‌های او از حبیب الله بدیعی می‌باشد که ۱۳ سال با یکدیگر همکاری داشته‌اند و اولین آهنگی که بدیعی برای کورس ساخت "شبرگرد" نام دارد که به همراه اثر بیاد ماندنی "آسمون" برای شما عزیزان در پایان مطلب قرار داده‌ام. آنچه درباره صدای کورس سرهنگ‌زاده گفتنی است سوز صدا و تحریرهای درشت و خشک خاص صدای اوست که جلوه ای دیگر به کار او داده‌است. آثار دیگری از او به یادگار مانده مانند "خاطرات" "فال حافظ" "یا علی" "دیدار" و... که هر کدام جذابیت و زیبایی خاص خود را دارد.
- من مستم و مدهوشم، شبرگرد قدح نوشم از طایفه بی‌خبرانم، دیوانه با نام و نشانم.
- من قصه نمیدانم، افسانه نمی‌خوانم دردی کش میخانه عشقم، در حلقه صاحب نظرانم.
- مرا می ز جام وفا باید ای می فروشان / مرا خانه میخانه ها باید ای باده نوشانم
- من از آنچه رسوا کند نام عاشق نترسم / و زان می که آتش زند کام عاشق نترسم
- بیا ای عشق افسونگر، فراموشم مکن دیگر / تو ای روان من ، شور جان من، امید من
- در جهان من به زندگانی، تویی که جاودانی
- آواز ابوعطا
- با سلام و درود فراوان خدمت همه دوستداران هنر والای موسیقی. همانطور که ملاحظه کرده‌اید در پستهای قبل آثاری متنوع از مرحوم استاد حبیب الله بدیعی با صدای علیرضا افتخاری و کورس سرهنگ‌زاده تدارک دیده بودم. آنچه امروز نیز برای شما مهربانان فراهم کرده‌ام، آوازی در مایه ابوعطا از اجراهای خصوصی دیگر علیرضا افتخاری و مرحوم حبیب‌الله بدیعی با ذکر زندگینامه ایشان می‌باشد، که امیدوارم مورد پسند شما همدلان قرار بگیرد.
- ز دستم بر نمی‌خیزد که یک دم بی تو بنشینم
- بجز رویت نمی‌خواهم که روی هیچ کس بینم
- من اول روز دانستم که با شیرین درافتادم
- که چون فرهاد باید شست دست از جان شیرینم
- ****
- الا ای همنشین دل که یارانت برفت از یاد

- مرا روزی مباد آن دم که بی یاد تو بنشینم
- حبیب‌الله بدیعی در سال ۱۳۱۲ در سواد کوه بدینا آمد. او از خردسالی به موسیقی علاقه‌مند شد و به کلاس درس یکی از شاگردان استاد صبا رفت و سه دوره ردیف‌های صبا را فرا گرفت. پس از آن چند سالی نیز در محضر استاد صبا به شاگردی نشست. استاد بدیعی در تک‌نوازی و بداهه پردازی شخصاً صاحب سبک بود. او در نوازندگی ویولون استحکام و ظرافت را یک جا باهم جمع کرده بود.
- بدیعی آهنگ‌های بسیاری نیز برای خوانندگان مختلف ساخت که بین اقشار مختلف مردم شهرت و محبوبیت بسیار پیدا کرد. ایشان از سال ۱۳۲۸ هجری شمسی تکنوازی را در برنامه‌های رادیویی آغاز کرد اما همکاری خود را با رادیو بطور رسمی از سال ۱۳۳۱ هجری شمسی آغاز کرد. استاد بدیعی علاوه بر نوازندگی ساز تنها از سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در ارکستر گلها مشغول کار شد و در کنار آن مسئولیت اداره موسیقی را بعهدہ داشت. از استاد بدیعی بیش از ۲۰۰ آهنگ باقیست که نخستین آنها با نام «ماه کنعان» در دستگاه ماهور اجرا شد.
- استاد حبیب‌الله بدیعی نوازنده کم نظیر و موسیقی‌دان برجسته سوادکوهی در ۲۷ مهرماه سال ۱۳۷۱ دارفانی را وداع گفت. مزار استاد بدیعی در امام زاده طاهر کرج است؛ جایی که آرامگاه شاعران، نویسندگان و هنرمندان بزرگی است؛ چون احمد شاملو، هوشنگ گلشیری، غلامحسین بنان، گل نراقی، عبدالعلی وزیری، حسین قوامی، احمد عبادی، علی اصغر بهاری، حسن کامکار، مرتضی حنانه، امیرناصر افتتاح و...
- رامبد صدیف "خواننده آواز و شاگرد سلیمان امیر قاسمی و عبد الله دوامی و ملهم از اقبال السلطان بوده است. وی دارای تکنیک ممتاز، لحن ویژه و توانایی‌های بیان در آواز ایرانی است. از آثار او «نوار ترجیع بند» همراه سنتور مجید کیانی و تعدادی ضبط‌های خصوصی همراه با نوازندگان مختلف وجود دارد. (که به تایید بسیاری از اهل هنر با توجه به تواناییهای ایشان آثار کمی از خود ارائه کرده است).
- قسمتی از آواز چهارگاه با هنرنمایی رامبد صدیف به همراه سنتور مجید کیانی تهیه شده است.
- آواز چهارگاه-صدیف و کیانی
- سخنی با خوانندگان (حرف دل):
- آنچه امروز شاهد آن هستیم حضور کمرنگ عده ای از صاحبان هنر (چه در عرصه آواز و چه نوازندگی) در حوزه تولید و اجرای اثر هنری است. با توجه به اینکه توانایی و تسلط بسیاری از این افراد بارها آزموده و توسط اساتید فن گذشته و حال صحنه گذاشته شده است برای حقیر جای سؤال است که چرا این بزرگان شأن هنری خود را در محدوده محافل خصوصی و یا نهایتاً تربیت چند شاگرد می دانند و بعضاً از ارائه حتی یک اثر هنری در سطح جامعه پرهیز می کنند و در پاسخ به این پرسش به وضعیت دشوار ارائه اثر و بازار آشفته موسیقی اشاره می کنند و جمعی نیز معتقدند که غیبت به جا بهتر از حضور نا به جا است.(؟)

- مگر نه اینکه هنرمند برخاسته از متن جامعه و هنر او متعلق به همه جامعه است. مگر طلوع چنین هنرهایی از بستر محافل خصوصی بوده و یا از کلاس درس فلان استاد در گذشته به گوش مردم می رسیده؟
- نویسنده واقف است که شرایط کنونی جامعه موانع و دشواریهایی را برای انتشار آثار و یا حتی ارائه کنسرت در پیش پای هنرمندان قرار داده است. اما در تمام این سالها بوده و هستند هنرمندانی که با ارائه آثار خود دل مردم و علاقمندان به هنر موسیقی را زنده نگه داشته اند و صد البته که بازار نقد و نقادی از این افراد داغتر و شدید تر بوده است. (که چرا فلان اثر؟ چرا اجرا با فلان شخص؟ و حضور در فلان مکان؟)
- "به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل وگر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم"
- آنچه ذهن مرا به خود مشغول ساخته این است که چرا هیچگاه در این سالهای اخیر ناظر و شاهد حضور هنرمندان مطرح در کنار هم نبوده ایم. اجماعی که حتی خوانندگان لس آنجلسی هم به آن دست زده اند. نمی دانم این عدم همدلی از کجاست اما می دانم که خواست قلبی عده ای از هنرمندان نیز رسیدن به چنین اجماعی است.
- عزیزان، حقیر علاقه و احترام خاصی برای اهل هنر، خصوصاً هنر موسیقی قائلم و اگر این مکتوب رنگ گلایه به خود گرفته، صرفاً دغدغه‌هایی است که در دل داشتم و می دانم حرف دل بسیاری از دوستداران هنر نیز هست.
- "تا دلی آتش نگیرد حرف جانسوزی نگویید..."
- مرجان یکی از خواننده‌های دهه ۱۳۵۰ می باشد که کار خود را در رادیو ایران آغاز کرد. و ترانه‌های بسیاری خوانده است که تعدادی از آنها بر روی صفحه در آن زمان به بازار آمد. وی در سال ۱۳۵۶ یک کاست بازخوانی (آثار شیدا و عارف که قبلاً توسط خوانندگانی همچون مرضیه، پوران، الهه و... خوانده شده بود) از طرف کانون پرورش فکری کودکان با نام مستعار سیما مافی‌ها به بازار داد. و اگر می بینید که فقط از آثار سیما مافی‌ها همان یک کاست است بخاطر این می باشد که نام هنری وی قبلاً مرجان بوده. و کسانی که علاقه مند به صدای این خواننده هستند و می خواهند آثار بیشتری از ایشان جمع آوری کنند باید به، مرجان (خواننده رادیو تلویزیون) مراجعه کنند.
- نام اصلی سیما مافی‌ها (یا همان مرجان) شهلا روشن ضمیر می باشد که هم اکنون در کرج زندگی می کند و بعد از انقلاب متأسفانه هیچگونه فعالیت هنری نداشته است.
- استاد سید جواد بدیع زاده از هنرمندان بزرگ عرصه موسیقی ایران در سال ۱۲۸۱ شمسی در تهران به دنیا آمد. پدرش «آقا سید رضا بدیع کاشانی» ملقب به «بدیع المتکلمین» روحانی مشروطه خواه روشن اندیشی بود که به سید اناری شهرت داشت. وی فرزندش را نیز غالباً به مجالس وعظ و روضه خوانی خود می برد تا با شیوه آوازخوانی مذهبی آشنا شود. بدیع المتکلمین با تسلط کافی بر ردیف موسیقی ایرانی، پسر خود را نیز به فن آواز مودنی و روضه خوانی و تعزیه آشنا ساخت و او از

تجربیات پدر استفاده کرد و به فراگیری گوشه‌ها و ردیف‌های موسیقی دستگاهی ایران پرداخت. جواد، موسیقی ردیف سنتی و گوشه‌های بی‌شمار آن را از پدر و نیز از دایی خود «میرزا یحیی سعید واعظین» که او نیز از واعظان خوش صدای زمان خود بود، فرا گرفت.

- او تحصیلات ابتدایی را در مدرسه تدین و دوره متوسطه را در مدرسه آلیانس فرانسوی‌ها و سپس دارالفنون به پایان رساند و از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۳۱ در مجلس شورای ملی استخدام شد و به عنوان نماینده خدمت کرد.

- استاد بدیع‌زاده علاوه بر خوانندگی در امر آهنگسازی نیز از بزرگان موسیقی ما به شمار می‌آید. در سال ۱۳۰۴ که کمپانی انگلیسی صفحه پرکنی «هیز مسترزویس» به قصد تهیه و ضبط صفحه از نواخته‌ها و خواننده‌های هنرمندان ایرانی نماینده خود را به ایران اعزام کرد و شعبه‌ی خود را در تهران گشود، بدیع زاده به عنوان نخستین خواننده مرد، با معرفی و توصیه عبدالحسین خان شهنازی، انتخاب شد و اولین صفحه او با عنوان «جلوه گل» روانه بازار شد که شامل دو قطعه آواز و سه تصنیف از ساخته‌های خودش بود. از آن پس تا سال ۱۳۱۴ بدیع زاده ۲۴ تصنیف ساخت که همه روی صفحه ضبط شده است. او در سال‌های بعد در سفرهایی به حلب و بیروت و برلین و شبه قاره هند، بر شمار ضبط آهنگ‌های خود افزوده است.

- از میان آفریده‌های معروف او می‌توان از سرود «ایران، کشور داریوش» و ترانه‌های جلوه گل، داد دل، دل افسرده، هدیه‌ی خاک، گل پرپر و «خزان عشق» یاد کرد. «خزان عشق» که تا زمان ما جاذبه‌ی خود را حفظ کرده در سال ۱۳۱۳ در پیوند با متنی عاشقانه از «رهی معیری» ساخته شده است.

- استاد بدیع زاده با افتتاح رادیو به جمع هیات ارکستر آن زمان رادیو پیوست و در کنار استادانی چون «حسین تهرانی»، «مرتضی نی داوود»، «حبیب سماعی» و «استاد ابوالحسن صبا» آثار با ارزشی را در حوزه‌ی موسیقی ایرانی پدید آورد. استاد بدیع زاده سال‌ها عضو شعر و موسیقی رادیو تهران بود.

- جواد بدیع زاده، سرانجام در دی ماه سال ۱۳۵۸ در سن هفتاد و هشت سالگی، بر اثر دومین سکته مغزی، در تهران چشم از جهان فرو بست. از او صفحات و نوارهای بسیاری بر جای مانده است که همه‌ی از درخشان‌ترین آثار موسیقایی است.

سیمین غانم خواننده زن ایرانی است. از جمله آثار معروف غانم می‌توان گل گلدون من، سیب، مرد من و قلک چشات را نام برد.

سیمین غانم در سال ۱۳۲۳ از پدری تهرانی و مادری ساروی در شهر تنکابن زاده شد. او از ۹ سالگی در جشن‌های مدرسه می‌خواند. غانم در سال ۱۳۴۱ در مسابقه‌های آموزشگاه‌های ایران در رشتهٔ آواز اول شد. نخستین اجرای تلویزیونی سیمین غانم ترانهٔ موج خروشان با تنظیم استاد مرتضی حنانه و تهیه عباس زندگی در سال ۱۳۴۷ بود. سیمین غانم فعالیت رسمی خود را از ۲۵ سالگی و در سال ۱۳۴۸ آغاز کرد. او دوره موسیقی سنتی و ردیف را زیر نظر استاد محمود کریمی گذراند. مدتی نیز نزد استاد مرتضی حنانه قواعد موسیقی و سلفژ را آموخت و با استاد علی تجویدی نیز در زمینه موسیقی کار کرد.

قلک چشات، نخستین ترانه او در سبک جدید بود. این ترانه در ایران مدت‌ها اولین صفحهٔ روز بود. شعر این ترانه سروده سعید دبیری است و آهنگ آن را فریبرز لاجینی ساخته است. معروف‌ترین ترانه سیمین غانم گل‌گلدون من نام دارد که سروده فرهاد شیبانی و ساخته فریدون شهبازیان است. غانم بیش از دو دهه در سال‌های پس از انقلاب ۵۷ از خوانندگی باز ماند. نخستین کنسرت او پس از انقلاب در مهرماه ۱۳۷۸ در سینما صحرا در تهران برگزار شد. در حال حاضر سیمین غانم به همراه خانواده اش در ایران به سر می‌برد و گهگاه به اجرای کنسرت می‌پردازد.